



## دانش تفسیر در نگاشته های مستشرقان<sup>۱</sup>

دکتر عبدالرزاق بن اسماعیل هرماس ترجمه: علی راد

### اشاره

با عنوان آراء المستشرقین حول القرآن و تفسیره جدیدترین پژوهش در این موضوع باشد که نشر دار طیبه در ریاض آن را به چاپ رسانده است.

دوم: اهتمام مستشرقان به دانش تفسیر زاینده قرن بیستم میلادی است و پیش از این پژوهشی در این مسئله از طرف آنان ارائه نشده است. تنها در آغاز قرن بیستم میلادی گذشته است که نوشته های استشرافی به روش شناسی گرایش های تفسیری مسلمانان و سنجش میراث تفسیری آنان پرداخته اند و در این میان موضوع تفسیر قرآن در آثار مستشرقان بسیار جدید است.

سوم: روش مستشرقان در مطالعات قرآنی - که تلاش فراوانی نیز در تبلیغ و جاساندن آن به عنوان یک منهج علمی در عرصه قرآن پژوهی معاصر داشتند - روشی التقاطی و برگرفته از فرهنگ غربی و کاملاً دور از بایسته ها و اصول علمی تفسیر قرآن است.

موضوع این پرووه بررسی نوشته های مستشرقان در موضوع دانش تفسیر قرآن، گردآوری دیدگاه ها، نقد و سنجش علمی آرای گوناگون آنان در این مسئله است. بر همین اساس، محور مطالعه ما در این پژوهش، تنها آثار تفسیری مستشرقان است، نه نوشته های دیگر آنان در موضوعات علوم قرآنی که ارتباط مستقیمی با دانش تفسیر ندارند. نتایج این پرووه در سه محور مهم قابل ارائه است:

اول: از بررسی موضوع تفسیر در نوشته های مستشرقان چیز درخشان، توجه و ارزشمند منطبق با روش علمی به دست نمی آید و با استقرای آثار مختلفی که از مستشرقان درباره قرآن به چاپ رسیده است، می یابیم که بیشتر کوشش های قرآن پژوهی آنان صرف ارائه یک سلسله ردها و نقدهای مشابه و تکرار پیاپی اشکالاتی شده است که پیشینیان آنان در موضوعاتی چون: «جمع قرآن»، «قرائات قرآن»، «اسباب نزول و ترتیب سررہ ها»، «الهی بودن خاستگاه قرآن» و همانند آن داشته اند و بسیار کم اتفاق می افتد که مستشرقان در پژوهش های خود به خود تفسیر قرآن پرداخته باشند. شاید رساله دکتر عمر رضوان

۱. این مقاله ترجمه ای است از «علم التفسیر فی کتابات المستشرقین»، عبدالرزاق بن اسماعیل هرماس، مجله جامعه أم القرى لعلوم الشریعة و اللغة العربیة و آدابها، ش ۲۵، شوال ۱۴۲۳ هجری، ص ۷۷-۱۲۹.

های مختلف آنان درباره اسلام - آشکارا به دست می آید، مطالبی است که آنان در دایرة المعارف اسلام<sup>۳</sup> نوشته اند. دایرة المعارف اسلام برای نخستین بار میان سال های ۱۹۱۳-۱۹۴۲ م به سه زبان اروپایی انتشار یافت. برای خواننده عرب زبان نیز این امکان وجود داشت که بر بخشی از این مطالب - در مجلد های ترجمه شده آن به زبان عربی - آگاهی یابد. به گونه ای که در ادامه خواهد آمد، مترجمان عربی گاه درباره دیدگاه های نادرست نویسندگان دایرة المعارف اسلام به نگارش تعلیقاتی در پانویس های آن ناچار شده اند و اشتباهات علمی و اتهامات واهی موجود در میان نوشته های مستشرقان (درباره اسلام و قرآن) را پاسخ گفته اند؛ همانند تعلیقات شیخ احمد شاکر بر مدخل حدیث و تعلیقات استاد مصطفی عبدالرزاق و ابراهیم مذکور بر دیگر مدخل های این مجموعه. گاه در مواردی مقدار تعلیقات از اصل مدخل بسیار طولانی است. این غرض ورزی تنها به دایرة المعارف اسلام منحصر نشد و مستشرقان در دیگر مطالبی که درباره قرآن و تفسیر آن نیز می نوشتند، همین غرض ورزی (و رویکرد به قرآن) را تکرار کردند؛ همان طور که در آثاری چون: دایرة المعارف ادیان و اخلاق، دایرة المعارف جهان، دایرة المعارف بریتانیا و اطلس ادیان آمده است. با توجه به اینکه در سال های اخیر آثار مذکور نزد محققان غربی و گروهی از پژوهشگران مسلمان به عنوان منابع علمی معتبر شناخته شده است، ضروری می نماید که برای شناخت و آگاهی بیشتر از اندیشه مستشرقان و تصورات آنان از قرآن به این آثار مراجعه نمود<sup>۴</sup>. برای نمونه، در چاپ جدید دایرة المعارف اسلام، نشر یافته به سال ۱۹۸۱ م در فرانسه و تجدید چاپ سال ۱۹۸۶ م، مستشرقی به نام ویلتاش نویسنده مدخل قرآن، در ذیل مبحثی با عنوان «محمد و قرآن» چنین می نویسد:

«بر اساس دیدگاه اهل سنت - دیدگاه ارتدوکس اسلامی<sup>۵</sup> -

روشن است که نگاه شده های مستشرقان درباره قرآن و تفسیر آن، هیچ زمانی به هدف نزدیک تر ساختن فرد نا آگاه به زبان عربی با فرهنگ و مفاهیم قرآنی، آشنایی با دین اسلام، انتشار آثار اصیل فرهنگ اسلامی و اهدافی از این قبیل نبوده است؛ بلکه تلاش های آنان در این زمینه به دنبال اهداف غیر علمی و غیر فرهنگی دیگری است، ولی در ظاهر همه این پژوهش ها را در سایه سار عناوینی چون: «پژوهش علمی» یا «پژوهش آکادمیک» انجام می دهند. اگر همه آنچه را که مستشرقان در طول قرن ها درباره قرآن نوشته اند و همچنین آنچه را که از آغاز قرن بیستم در موضوع تفسیر قرآن نشر داده اند، یکجا مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم، بدون هیچ دشواری و بحثی، به اعتقاد و باور آنان که همچون سایه ای تمامی مطالعات آنها را در تعامل با متن قرآن تحت شعاع خود قرار داده است، رهنمون خواهیم شد و این باور چیزی جز اعتقاد کورکورانه و تقلیدی مستشرقان به بشری بودن خاستگاه قرآن نیست. مستشرق - که قلب وی از انکار الهی بودن خاستگاه قرآن مالا مال است - از همان آغاز تلاش دارد تا در لابه لای نوشته هایش این باور خود را مبرهن و استوار سازد. در این مسئله مستشرقان متعصب که ادعای دروغین خود را آشکارا بیان می کنند، با دیگر مستشرقانی که از روی حیل و نیرنگ و با روش های گوناگون و پیچیده علمی سعی در پنهان ساختن ادعای خویش یعنی بشری بودن خاستگاه قرآن دارند، یکسان هستند<sup>۶</sup>.

### ۱. قرآن در اندیشه مستشرقان

اقتضای بررسی علمی و رعایت اصل انصاف آن است که در این جستار گستره ارتباط تصورات شخصی مستشرقان با محتوای نگاه شده های آنان درباره قرآن اشاره کنیم. مستشرقان در مقام تألیف، تصورات شخصی خود را بر مواد و محتوای آثارشان می افزایند، بدون آنکه نگاه شده هایشان به خلل کار خود یا انحراف شان از مسیر علمی بحث معترف باشند. از بارزترین آثاری که از محتوای آن تصورات شخصی مستشرقان - در نوشته

۲. ر. ک: مقاله نگارنده با عنوان «مطاعن المستشرقین فی ربانیه القرآن»، مجله الشریعة و الدراسات الاسلامیة، ش ۳۸، ربیع الثانی ۱۴۲۰هـ، ص ۱۵۹-۶۱.

### 3. ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM

۴. مراجعه پژوهشگران به دایرة المعارف ها چه در داخل جهان اسلام و چه خارج آن در مسائل مختلف علمی امری شایع است، با اینکه نه تنها مدخل ها و محتوای آنها منبعی برای شناخت مسائل علوم اسلامی به شمار نمی آیند، بلکه دارای مطالب گزاف و اشتباهات بسیاری هستند که سکوت در مقابل آن شایسته نیست.

۵. ارتدوکس اصطلاحی است که در ادبیات لاتین مرتبط با کبسه شرقی است، ولی در زبان های غربی به نوعی جمود و انسداد فکری در مسائل دینی انصراف دارد. از لابه لای سخنان ویلتاش و سیاق عبارات وی چنین بر می آید که مقصود او از این اصطلاح در این مدخل، جمهور اهل سنت در جهان اسلام باشد.



همانا محمد (ص) قرآن را به عنوان وحی از طرف خداوند و از طریق جبرئیل دریافت داشته است، بدون اینکه آن دو (محمد و جبرئیل) در متن وحی تصرفی کرده باشند؛ حال آنکه بررسی متن قرآن روشن می‌سازد که قرآن وضعیتی متفاوت از این دیدگاه دارد. در بخش‌های آغازین نزول قرآن نشانه‌ای که دلالت بر خاستگاه آن کند، وجود ندارد. در بخش‌های دیگر قرآن نیز چیزی که الهی بودن رسالت محمد (ص) را اثبات کند، پیدا نمی‌شود و در برخی از بخش‌های قرآن هم، این محمد (ص) است که سخن می‌گوید. هر چند بخش‌هایی از قرآن متضمن گزاره‌هایی است که با ضمیر غایب اشاره به خدای محمد (ص) دارند. بیشتر این گزاره‌ها، آیات مدنی هستند و ما را به این نکته رهنمون می‌شوند که محمد (ص) معلومات خود را از یهود برگرفته و بر اساس آن سخن می‌گفته است. در این بخش از قرآن ما بدون هیچ مشکلی می‌توانیم بگوییم که محمد (ص) محتوای قصه‌ها و معلومات خود را از منابع متعددی به ویژه یهودیان و مسیحیان اخذ می‌کرده و سپس همان را در ساختاری همگون با اسلوب قرآن بیان می‌داشته است»<sup>۶</sup>.

در چاپ فرانسه دایرة المعارف اسلام- نشر یافته سال ۱۹۹۰م- می‌بینیم که کلود ژبو به هنگام سخن از تفسیر قرآن- ذیل عنوان «تشکیل متن قرآن»- به صراحت بیان می‌دارد که متن قرآن از آرای فقیهان و فتاوی‌ای آنان در طول سه قرن نخست هجری سامان یافته است. او در این زمینه بیهوده به اقتباس آرای برخی از مستشرقان- که این بهتان و افترا را مطرح ساخته‌اند- روی کرده و در پایان گفتارش برای رهایی از آن (بهتان و توجیه آن) به استنتاج از مفاد سخنان مستشرقان پرداخته و چنین بیان کرده است که «اختلاف در نقل‌های قرآن- به ویژه قرائات شاذ و مشهور- که اصحاب (پیروان) محمد (ص) آن را دریافت کردند، در واقع به نیاز درج حواشی و شروح متضمن تشریحات قدیمی در کنار متن قرآن بر می‌گردد که تا پیش از پایان قرن سوم هجری/ نهم میلادی گردآوری آنها انجام نشده بود»<sup>۷</sup>.

هر کس که نوشته‌های مستشرقان را در این موضوع بررسی کند، به دیدگاه خاص آنان درباره بشری بودن خاستگاه قرآن دست خواهد یافت؛ دیدگاهی که بارها از آن دفاع کرده‌اند و بر اساس همین دیدگاه به هنگامه تألیف درباره قرآن به آن به عنوان یک «اثر ادبی محض» می‌نگرند. گاه از میان مستشرقان کسانی پیدا می‌شوند که رتبه قرآن را حتی پایین‌تر از تراش کهن ادب عربی پنداشته‌اند؛ همان‌طور که شیخ مستشرقان، تنودر نولدکه، در رساله خود با عنوان نقدی بر اسلوب و ترکیب قرآن بر همین رأی رفته و الهی بودن خاستگاه قرآن را انکار

کرده است<sup>۸</sup>. همچنین مستشرقانی را می‌بینیم که پژوهش‌های قرآنی خود را ضمن تألیفاتشان در موضوع تاریخ ادب عربی قرار داده‌اند<sup>۹</sup>. به همین سان می‌بینیم برخی از آنان چنان در بحث ترتیب نزول قرآن غور و فحوص می‌کنند که بر اساس نتایج مطالعاتشان متن جدیدی از قرآن را برای خودشان می‌نویسند<sup>۱۰</sup>.

## ۲. نوشته‌های آغازین مستشرقان درباره تفسیر

مستشرقان در آغاز قرن نوزدهم میلادی به تحقیق برخی از کتب تفسیر قرآن روی آوردند. مستشرق آلمانی فرایتاج (م ۱۸۸۶م) تفسیر أسرار التأویل و انوار التنزیل را تحقیق کرد و در سال ۱۸۴۵م آن را در لیزبج منتشر ساخت و مستشرق انگلیسی ویلیام ناسولیز (۱۸۸۹ میلادی) تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل را تحقیق کرد. مستشرق آلمانی ادولف گراهمان نیز عیسی در قرآن را در سال ۱۹۱۴م در مجله الجریده الشرقیه منتشر ساخت. رافلین در سال ۱۹۲۷م قانون در قرآن و ژوتین هم در سال ۱۹۵۵م نماز در قرآن را منتشر ساخت. اما به موضوع روش‌شناسی مفسران و گرایش‌های

6. ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM. Tom 5, P 404.

7. ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM. 6, P 584.

۸. در این باره ر. ک:

THODOR NOLDKE "Remarques critiques sur le style et la syntaxe du coran" pp5 et 6 "traduction de G.H. Bousquet.

۹. برای نمونه ر. ک: تاریخ الادب العربی، بلاشر، ج ۲:

Rgis Blacher "Histoire de la littérature Arab des origines à la fin du XV siècle J.C" Tome 2 p 188 cct.

۱۰. مشهورترین مستشرقانی که در این زمینه مطلب نوشته‌اند، عبارت‌اند از نولدکه، بلاشر و ویلیام. در این باره ر. ک:

Rgis Blacher "introduction au coran" pp 248-263: A.T Welche ALKURAN" in ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM tom 5 "p 418.

ناتوانی بلاشر در جستجوی ترتیب نزول آیات او را واداشت تا به عجز خود اعتراف و عذر خود را چنین توجیه کند: «از آنجا که آیات قرآن به طور مستمر و دائمی در حال تغییر و دگرگونی مکانی بودند، حفظ و به یاد سپردن تاریخ نزول آنها از طریق حافظه که اصلی‌ترین وسیله حافظان قرآن عصر پیامبر بود، بسیار مشکل است».

«قرائت قرآن» و «تفسیر جدیدی از قرآن» به دست آورند<sup>۱۵</sup>.

### ۳. اسباب و انگیزه‌های گرایش مستشرقان به تفسیر قرآن

پیشتر گذشت که اهتمام مستشرقان به (بازشناسی) روش‌های مفسران و گرایش‌های تفسیری مسلمانان زائیده قرن بیستم میلادی است که در طلیعه این قرن ظهور پیدا کرد، در میانه آن توسعه یافت و در خلال سال‌های هفتاد و هشتاد این قرن، نگاه‌های آنان درباره تفسیر فزونی گرفت. در حال حاضر روند اهتمام به تفسیر به دلیل مرگ استادان مشهور مطالعات شرق‌شناسی در غرب و کم شدن علاقه پژوهشگران جوان اروپایی به پژوهش در زمینه تفسیر، به قهقرا رفته و کمتر شده است. افزون بر این، بحران گریبان‌گیر حرکت استشراق-که از گذشته با آن همراه بوده است- بزرگان آنها را به بحث از ابزارهای تجدید حیات دوباره استشراق در این زمینه واداشته است<sup>۱۶</sup>.

بر همین اساس، بلاشر، یکی از مستشرقان فرانسوی، در مقدمه یکی از آثار خود بر اهتمام مستشرقان به قرآن چنین اشاره دارد:

«ترجمه و پژوهش قرآن برای هدف بنیادین فهم محیط اسلامی و معرفت یافتن به دنیای اسلام لازم و ضروری است<sup>۱۷</sup> و این شناخت و درک جهان اسلام همان چیزی است که غرب روش تحکم بر گروه‌های اسلامی را بر آن مبتنی می‌سازد و کار خود را با آن توجیه می‌کند، لکن پس از گذشت چند دهه از تلاش‌های تنگ‌نظرانه مستشرقان، آشکار شد که گام‌های غرب در پیمودن این راه به خطا رفته است؛ لذا مستشرقان بر آن شدند به تصحیح راه رفته اقدام کنند تا از رهاورد آن گام‌های بعدی خود را در حوزه پژوهش‌های اسلامی استوار سازند و توانی دیگر در توجیه اقدامات خود برای مسلمانان به دست آورند. مستشرقان

بیستم میلادی اهتمام ورزیدند و در اواسط این قرن تلاش‌های آنان در این حوزه توسعه یافت و آثاری چون: مباحثی نوین در نظم قرآن و تفسیر آن از مستشرق انگلیسی هورسفیلد (لندن، ۱۹۰۲م)، وهب بن منبه و ثراث یهودی- مسیحی در یمن از مستشرق فرانسوی کلیمان هوار (پاریس، ۱۹۰۴م)، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان گلدزیهر (۱۹۲۱م)، تفسیر قرآن ریچارد هارتمان (مجله پژوهش‌های شرقی: ۱۹۲۴م)، شرح معتزله بر قرآن از مستشرق ایتالیایی جویدی (۱۹۲۵م)، ابو عبیده و قرآن آرتور جفری (۱۹۳۸م) و ... در این حوزه منتشر شد. نیمه دوم قرن بیستم میلادی آغاز پژوهش‌های مستشرقان در موضوع روش‌ها و گرایش‌های تفسیری است. در این سال‌ها پژوهش‌های مستشرقان در این موضوع بعد دیگری به خود گرفت و آن، همسانی مطالعات قرآنی با روش‌های پژوهش تورات و انجیل در جهان غرب بود که به شکلی یکسان در تفسیر قرآن نیز اعمال شد. در این زمینه می‌توان از این آثار نام برد: تفسیر قرآن در مکتب تفسیری المنار و طنطاوی جوهری و تفسیر الجواهر از ژاک جویمیر (۱۹۵۴م)، تفسیر قرآن در دوره جدید ج. بالجون (۱۹۶۱م لندن)، تفسیر قرآن و زبان صوفی (رمزی- اشاری) ب. نویبا (۱۹۷۰م)، قرآن: نزول، تدوین، ترجمه و تأثیر آن بلاشر (۱۹۷۴م)، قرآن و تفسیر آن ویلتاش (لندن: ۱۹۷۶م)، در آمدی بر تفسیر<sup>۱۱</sup> جون منوت (۱۹۸۲م)، تفسیر قرآن بروما (۱۹۸۵-۱۹۸۴م: ضمن مجموعه پژوهش‌های عربی، گزیده‌ای از نوشته‌های مستشرقان را درباره دانش تفسیر قرآن نشر داد<sup>۱۲</sup>)، «تفسیر قرآن» و «قرآن در پرتو پژوهش‌های معاصر<sup>۱۳</sup>» از کلود ژبو در مجموعه دایرة المعارف جهان به زبان انگلیسی، قرائتی جدید از قرآن ژاک بیرک<sup>۱۴</sup> ...

نکته‌ای که در این باب شایان ذکر است و در آثار قرآنی سه ده اخیر مستشرقان به خوبی آشکار بوده است، بهره‌مندی از شیوه‌های بررسی و تحلیل حوزه علوم انسانی در اغلب پژوهش‌های تفسیری آنان است؛ همان‌سان که در مرحله افول حرکت استشراق نیز به دنبال ابزارهایی بودند تا از طریق تطبیق روش‌های مطالعه حوزه علوم انسانی در عرصه تفسیر قرآن، گذشته تاریخی خودشان را در افق مباحثی چون: «تاریخ قرآن»،

11. egse coranique "in annuaire E.P.H.E TOME: ISLAM (12) G.MONNOT 91" P 309 - 319 "ANNE 1982 - 1983: Rgis Blacher "interduction au coran" p 260.
12. "Le commentaire coranique" in: Etudes Arab" Dossier 67 - 68" 1984 - 1985 Rpma.
13. ENCYCLOPAEDIA UNIVERASALIS "CORPUS 6" PP 543 - 548.
14. Jacques Berque "Relire le coran" Biblioth que Albin Michel" Paris .
15. C.GILLOT "ENCYCLOPAEDIA UNIVERASALIS" CORPUS6" P 547.

۱۶. ر.ک:

claude cahenet charles pellat "lestudes" Arabeser ISLAMIQUESIN" JOURNAL ASIATIQUE" TOMA 261" ANNE 1973 P 89.

۱۷. ر.ک: القرآن نزوله و تدوینه ...، بلاشر، ص ۲۰.

برای وصول به این هدف خود را به عنوان هم قطاران و هم ردیف با بزرگان دانش تفسیر جای دادند و کم کم از دهه هفتاد گروهی از نوشته های استشرافی پیدا شدند که دعوت به بازخوانی قرائت قرآن داشتند»<sup>۱۸</sup>.

به نظر می رسد آنچه باعث دگرگونی دیدگاه مستشرقان درباره دانش تفسیر شد، همان تحول و دگرگونی بود که جریان پروتستان در داخل کلیسای غرب به وجود آورد. این جریان دعوت خود را در اروپا بر نواندیشی دینی بنا نهاد و تأکید ورزید که فهم دین و کتاب مقدس تنها وقف مردان کلیسا نیست و به جز آنان، از صاحبان بینش وسیع نیز این کار ساخته است. بر همین اساس ادعا کردند که دلیلی ندارد تفسیر قرآن اختصاص به دانشمندان و بزرگان از اندیشمندان اسلامی داشته باشد. از همین جا بود که ادعای ناطراز پژوهش ادبی قرآن شروع شد. «همان طوری که است های مختلف اصول و آداب زبان های گوناگون را فرامی گرفتند، پژوهش ادبی این اثر بزرگ- قرآن- نیز امری است که بایستی پژوهشگران ادب به پاس جایگاه این کتاب، در گام نخست بدان پردازند؛ گرچه قصد هدایت گیری از آن و بهره وری از محتوای آن را نداشته باشند. پژوهش ادبی قرآن بر پژوهشگران امری واجب و (پژوهشی) در رتبه اول است؛ گرچه قلب های خود را از اعتقاد به محتوای آن خالی نگه دارند و یا به نقیض آنچه مسلمانان از آن به عنوان کتاب مقدس یاد می کنند، باور پیدا کنند»<sup>۱۹</sup>.

مستشرقان معاصر نیز به چنین ادعایی تمسک کردند و به سوی تغییر اصول، قواعد و آداب تفسیر قرآن فرا خواندند: آنان دیدگاه تخریبی خود را در قبال آثار مختلف تفسیری بزرگان این دانش اعمال کردند، سپس برای خودشان روش عجیبی در تفسیر قرآن در پیش گرفتند تا در سایه سار آن، دانش تفسیر قرآن برای آنان آسان جلوه کند و به این آرزو و هدف خود دست یابند که ساختار اسلام دگرگون سازند و قرآن مطابق خواست آنان تفسیر شود. به ویژگی های روش آنان در ادامه بحث خواهیم پرداخت<sup>۲۰</sup>.

### ۱-۳. پژوهش های تفسیری مستشرقان

جایگاه و کوشش های مستشرقان در حوزه نشر کم نظیر است و می توان گفت هر چند مستشرقان در عرصه گفتمان علمی، تولید اندیشه و همچنین در زمینه نوآوری های فرهنگی و اجتماعی موفق نبوده اند، لکن تنها عرصه ای که در آن موفقیت چشمگیری یافته اند، حوزه چاپ و توزیع کتاب در گستره وسیع آن بوده است. با توجه به امکانات مادی و معنوی و همچنین مراکزی که برای آنان در تأمین هدف مذکور تدارک دیده شده

است، آنان سالیان سال خواهند توانست کتاب به چاپ رسانند یا کتاب های خود را تجدید چاپ و یا به زبان های مختلف کشورهای غربی و اسلامی ترجمه کنند<sup>۲۱</sup>. در این میان، کتاب های مستشرقان در زمینه دانش تفسیر متنوع و متعدد است. برخی از این کتاب ها به طور مستقل در موضوع تفسیر چاپ شده است، برخی دیگر مقالات و مباحثی هستند که در همایش های مختلف علمی ارائه شده و یا در نشریات مختلف دنیا به چاپ رسیده اند و اخیراً نیز در چاپ های متعدد دایرة المعارف اسلام از آنها بهره گرفته شده است.

### ۱-۳-۱. نگاشته های مستقل تفسیری مستشرقان

نگاشته های مستقل تفسیری مستشرقان، دو نوع از کتاب های آنان را شامل می شود: نوع اول، پایان نامه ها و رساله های دانشگاه های مختلف است که برای گذراندن مقاطع مختلف تحصیلی ارائه شده اند<sup>۲۲</sup>. نوع دوم که خیلی هم اهمیت دارد، شامل پژوهش های تألیفی مستشرقان است.

۱۸. برای نمونه ر. ک:

j. BERQUE "Relire le coran" Biblioth que Albin Michel Paris

۱۹. دایرة المعارف اسلام، امین الخولوی، مدخل تفسیر (تعلیقه بر ترجمه عربی)، ج ۵، ص ۳۶۶. همان تعلیقه به طور مستقل در دو کتاب ذیل نیز به چاپ رسید: امین الخولوی، مناہج تجدید فی النحو و البلاغة و التفسیر و الادب، اول، دارالمعرفة، ۱۹۶۱م؛ همو، التفسیر معالم حیات- منهجه الیوم.

۲۰. برای آگاهی بیشتر ر. ک: الاتجاهات الحدیثه فی الاسلام، هملتون. جب، ترجمه: کامل سلیمان، ص ۱۲۶، مکتبة الحیة، ۱۹۴۵م.

۲۱. همانند: جوزیف شاخت و کلفورت بوزورت، نوات الاسلام، ج ۳، کویت، ۱۹۸۷م و چاپ دوم ۱۹۸۸م و چاپ سوم ۱۹۹۸م. عنوان انگلیسی کتاب THE LEGACY OF ISLAM بوده و در ۱۹۷۴م در آکسفورد به چاپ رسیده است. همچنین مجله HESPERIS که با اشرف مستشرقان فرانسوی از سال ۱۹۲۱م در مغرب منتشر می شود و در دهه هشتاد برخی از مجلدات آن تجدید چاپ شد.

۲۲. همانند رساله دکتری تولدکه:

THODOR NOLDKE "Remarques critiques sur le style et la syntaxe du coran."

الف) حضور طولانی بلاشر در کشورهای اسلامی به ویژه در کشور مغرب: وی در طول مدت اقامت خود در مغرب به مطالعات ادب عربی پرداخت و رساله خود را درباره متنی سامان داد.

ب) فراوانی شاگردان بلاشر از دانشجویان مسلمان در شرق و غرب: وی بر پایان نامه های متعددی از دانشجویان عرب زبان در دانشگاه فرانسه اشراف علمی داشته است.

ج) ورود آثار بلاشر به مراکز علمی کشورهای عربی: از مشهورترین کتاب های وی در زمینه قرآن کتاب درآمذی بر قرآن به زبان فرانسوی است. گسترده ترین نگاهشته بلاشر در زمینه تفسیر قرآن، مجموعه مباحثی است که وی در ضمن جزء دوم تاریخ الادب العربی نوشته است. این کتاب به همت رضا سعادت از فرانسوی به عربی ترجمه و نخستین بار ترجمه عربی آن در سال ۱۹۷۲ م منتشر شد. همین ترجمه در مبحث اول مدخل تفسیر دایرة المعارف جهان نیز آمده است.<sup>۲۶</sup>

### ۳-۱-۲. تفسیر در دایرة المعارف های استشرافی

هدف اصلی از تألیف دایرة المعارف ها گردآوری اطلاعات گوناگون و مرتبط به یک موضوع همانند ادبیات، تاریخ، طب و ... در یک مجموعه با رعایت ترتیب (الفبایی یا موضوعی) میان موضوعات است. دایرة المعارف ها با تمرکز بر اصل موضوع و رعایت موجزنگاری- بدون لطمه به ابعاد مختلف موضوع- نوشته می شوند. نخستین بار اندیشه نگارش دایرة المعارف اسلام در همایش مستشرقان به سال ۱۸۹۴ م در شهر سویرا مطرح شد، لکن آغاز انتشار جلد های نخستین آن تا سال ۱۹۱۴ م به طول انجامید و انتشار جلد های باقیمانده آن تا سال ۱۹۴۲ م ادامه یافت تا اینکه مجموعه کامل آن به سه زبان فرانسه، آلمانی و انگلیسی منتشر شد. در بیست و یکمین همایش مستشرقان در شهر پاریس به سال ۱۹۴۸ م چاپ دوم آن با ویرایش جدید به تصویب رسید<sup>۲۷</sup> و در دهه های اخیر قرن نوزده میلادی انتشار آن گسترش یافت. چاپ دایرة المعارف اسلام به زبان فرانسوی نیز با ویرایش کامل در دهه شصت این قرن آغاز و

محتوای این آثار علی رغم اینکه دارای مطالب غیر علمی هستند، لکن مستشرقان پس از تألیف و انتشار سعی در ترویج و تبلیغ آنها به عنوان مصادر و منابع علمی در موضوع تفسیر قرآن داشته اند. گاه این منابع فراتر از مجامع و محیط های علمی غرب در کشورهای اسلامی نیز جایگاه علمی به خود گرفته اند و نمونه ای از مصادر و منابع مرجع و علمی به شمار می آیند و بر اساس همین پندار در این کشورها تجدید چاپ و ترجمه می شوند و گاه از نویسندگان آنها برای حضور در مؤسسات علمی جهان اسلام دعوت به عمل می آید. از مشهورترین پژوهش های تألیفی مستشرقان در زمینه تفسیر- که بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است- کتاب ایگناس گلدزیهر (۱۹۲۱ م) با عنوان گرایش های تفسیری در میان مسلمانان است که دوبار با عنوان مذاهب التفسیر الاسلامی به عربی ترجمه شده و نخستین بار دکتر علی حسن عبدالقادر و بار دوم دکتر عبدالحلیم نجار آن را به عربی ترجمه کرده است. این کتاب از همان آغاز نشر به عنوان یک منبع اصلی و مورد مراجعه پژوهشگران جا افتاد؛ در حالی که نویسنده آن فردی متعصب و دارای دیدگاه هایی خلاف اسلام و قرآن بود. خود کتاب نیز اشتباهات علمی و خطاهای برخاسته از جهل فراوانی را در خود داشت که مؤلف مرتکب آنها شده بود<sup>۲۳</sup>. با این همه، کتاب گلدزیهر، گرایش های تفسیری در میان مسلمانان، جایگاهی منحصر به فرد در میان مستشرقان دارد؛ همین طور نویسنده آن دارای منزلت علمی تصنعی ویژه ای در میان آنان است. برای نمونه، نگارنده مدخل حدیث دایرة المعارف اسلام برای گلدزیهر در عرصه دانش تفسیر نقش بسیار بزرگی قائل شده است<sup>۲۴</sup>. همچنین نویسنده مدخل تفسیر در همین دایرة المعارف، از اقوال و سخنان وی فراوان بهره جسته و بدان اعتماد کرده است<sup>۲۵</sup>. با این حال، از همان آغاز تا کنون اشتباهات قطعی موجود در این کتاب به عنوان یک دیدگاه علمی قطعی و درست پذیرفته شده است.

بعد از کتاب گلدزیهر، آنچه در درجه دوم اهمیت قرار دارد، کتاب مستشرق فرانسوی بلاشر (۱۹۷۳ م) است. به دلایل سه گانه ذیل در مجامع علمی شرق و غرب نوشته های این مستشرق فرانسوی جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است:

۲۳. شیخ احمد شاکر (م ۱۳۷۷ هـ) در دوجا به نقد این موضوع پرداخت.

ر.ک: مجله المقتطف، دسامبر ۱۹۹۴ م، ص ۴۶۱-۴۶۳؛ دایرة المعارف اسلام، ج ۷، ص ۳۳۳-۳۳۴ (تعلیق مدخل حدیث)

۲۴. دایرة المعارف اسلام، ج ۷، ص ۳۳۳.

۲۵. همان، ج ۵، ص ۳۴۷.

26. RGIS BLACHER "DU MESSAGE AU FAIT CARANIQUE IN ENCYCLOPAEDIA UNIVERASALIS "CORPUS6" PP 540 - 543.

۲۷. تاریخ الدراسات العربیة فی الفرنسا، محمود مقداد، ص ۲۰۰-۲۰۲.

در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶ م تجدید چاپ شد و این غیر از چاپ‌های متعدد آن به زبان انگلیسی در این سال‌هاست. ترجمه عربی آن که از روی چاپ نخست آن شروع شده بود، در سال ۱۹۶۵ م متوقف شد و تنها تا حرف طاء انجام یافت، بدون اینکه تمامی مدخل‌های بعدی آن به عربی ترجمه شود.

جدای از دایرة المعارف اسلام، مستشرقان اقدام به تألیف مدخل‌ها و مطالب متنوع درباره اسلام و علوم مختلف اسلامی در دایرة المعارف‌های دیگر کردند که به زبان‌های مختلف در کشورهای متعددی انتشار یافتند. از مهم‌ترین اینها می‌توان به دایرة المعارف‌هایی چون: دایرة المعارف ادیان و اخلاق، دایرة المعارف بریتانیکا (چاپ جدید به زبان انگلیسی)، دایرة المعارف جهان (نشر یافته به بیشترین زبان‌های دنیا) و ... اشاره داشت، اما به طور خاص در موضوع تفسیر می‌توان به نگاه‌های ذیل اشاره کرد:

مدخل تفسیر چاپ نخست دایرة المعارف اسلام از کارادیفو. وی در نگارش این مدخل از نوشته‌ها و دیدگاه‌های مستشرقان متعصبی چون گلدزیهر و هنری لامنس شدیداً تأثیر پذیرفته است. این مدخل با تعلیقات امین الخولی به عربی ترجمه و در دایرة المعارف اسلام منتشر شد. ۲۸ در چاپ دوم دایرة المعارف اسلام- که ویرایش هم شده بود- علاوه بر اینکه مدخل تفسیر از چاپ اول آن به زبان فرانسه (۱۹۶۰ م) گنجانده شد، مستشرقان به توسعه مباحثی قرآنی در مدخل‌های آن اقدام ورزیدند و تنها مدخل قرآن نوشته ویلتاش در نه فصل به مباحث قرآنی پرداخت و ۳۱ صفحه از چاپ رحلی با خطوط ریز دایرة المعارف را به خود اختصاص داد<sup>۲۹</sup> و این غیر از پانوشته‌های توضیحی است که مستشرق دیگری بر این مدخل نوشت. همچنین در این چاپ ما شاهد مباحثی متنوع از مسائل قرآنی هستیم؛ همانند زبان و ساختار قرآن<sup>۳۰</sup>، تعبیر ادبی در قرآن<sup>۳۱</sup>، قرآن در زندگی و اندیشه مسلمانان<sup>۳۲</sup>، و ... در دایرة المعارف ادیان و اخلاق هم شلایر مایر مدخل تفسیر را مبتنی بر رویکرد پوزیتیویستی فلسفی نوشت؛ چرا که در نگاه وی میان تفسیر قرآن و شرح‌های تورات و انجیل و دیگر متون ادبی محض تفاوتی وجود ندارد<sup>۳۳</sup>. امین الخولی از دیدگاه‌های وی در این موضوع بهره جسته است و به وضوح در تعلیقات وی بر مدخل تفسیر چاپ نخست دایرة المعارف اسلام از کارادیفو آشکار است<sup>۳۴</sup>. در دایرة المعارف بریتانیکا (چاپ جدید به زبان انگلیسی) نیز مباحثی درباره قرآن در فصل «محمد و دین اسلام<sup>۳۵</sup>» در دو بخش مختصر به چشم می‌خورد که نویسنده در درباره تفسیر قرآن و گرایش‌های جدید در تفسیر به همراه مکتب تفسیری محمد عبده

سخن گفته است<sup>۳۶</sup>. مدخل قرآن در دایرة المعارف جهان نیز شامل سه مبحث است: رسالت قرآن از بلاشر، تاریخ تفسیر و قرآن و پژوهش‌های معاصر از کلود ریو. این مدخل نیز چیزی جز ادامه همان اندیشه استشرافی درباره قرآن و آمیخته به تعصبات و اشتباهات آنان، رویکرد تازه‌ای نیست<sup>۳۷</sup>.

### ۳-۱-۳. تفسیر در نشریات استشرافی

روش مستشرقان در نگارش مقالات و تحقیقات خود استفاده از مناسبات مختلف علمی و پژوهشی است؛ همانند شرکت در جلسات، همایش‌ها، روزهای خاص پژوهشی، یادواره یکی از مستشرقان، جشن‌های مؤسسات و گروه‌های استشرافی. مشارکت در این مناسبات گاه با ارائه یک مقاله یا گفتاری کوتاه، سخنرانی یا همکاری مستقیم در آن است. از آنجا که مستشرقان علاقه شدیدی به حفظ و نگهداری کارهای علمی خود دارند، همه نوشته‌های آنان به محض اتمام تألیف در مسیر نشر و توزیع قرار می‌گیرد. شاید مهم‌ترین ابزاری که آنان در نشر نوشته‌هایشان از آن استفاده می‌کنند، فصلنامه‌ها، نشریات و خبرنامه‌ها باشد. فصلنامه‌های استشرافی هر سه ماه یکجا منتشر می‌شوند و هر چهار شماره از آنها یک جلد می‌شود. مجلات و نشریات نیز غالباً دوره‌ای است و هر شماره آن به

۲۸. دایرة المعارف اسلام، کارادیفو، مدخل تفسیر، ج ۵، ص ۳۴۶-۳۴۸.

29. A.T.WELCH. ALKURAN" ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM" T5 "PP 401 - 431.

30. ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM "T5" PP 420- 423.

۳۱. همان، ص ۴۲۳-۴۲۸.

۳۲. همان، ص ۴۲۸-۴۲۹.

۳۳. ر. ک: دراسات عن القرآن، سید احمد خلیل، ص ۱۲۷-۱۴۳.

۳۴. دایرة المعارف اسلام، ج ۵، ص ۳۴۸-۳۷۴.

35. THE NEW ENCYCLOPAEDIA BRITANNICA "V22" P 1 - 43.

۳۶. همان، ص ۹.

37. ENCYCLOPAEDIA UNIVERSALIS CORPUS6" PP 540 - 548.

مسلمانان؛ چرا که آنان با وجود محدودیت در شناخت میراث تفسیری به نقد و نقض آن پرداخته اند.

دوم، بررسی ادعای مستشرقان متأخر درباره «روش جدید در تفسیر قرآن». مستشرقان در این روش به داده های علوم انسانی رایج در غرب اعتماد دارند. به دنبال این روش، تصورات و آرای مستشرقان در دانش تفسیر دو حوزه را شامل می شود: الف) رویکرد تخریبی-انتقادی که به دنبال رد و نقض جزئی و تفصیلی دانش تفسیر است؛ ب) رویکرد نوین که به دنبال تأسیس روشی جدید در تفسیر قرآن است که متناسب با پیش فرض های علمی خاص، تأمین کننده اهداف آنان از ورای تحقیقات اسلامی آنها باشد.

### ۲-۳. مستشرقان و میراث تفسیری

در توجیه نگاشته های مستشرقان درباره تفسیرهای مختلف قرآن عوامل مختلفی دخالت دارند:

- علاقه مندی و تمایل مستشرقان به ارتباط با فرق انحرافی؛ چیزی که تاریخ اندیشه اسلامی بدان اذعان دارد؛
- دشمنی اکثر مستشرقان با گروه اهل سنت در جهان اسلام و بزرگان آنان؛
- تعصب شدید مستشرقان به آیین خودشان، اعم از مسیحیت و یهودیت؛
- همه اینها جدای از عامل بسیار مهم دیگری است و آن عبارت از جهل مشهود مستشرقان به ابزار اولیه زبان پژوهش قرآن-عربی مبین-است.

### ۱-۲-۳. دیدگاه مستشرقان بزرگ درباره تفاسیر معاصر

پیشتر اشاره شد که اهتمام مستشرقان به پژوهش روش ها و گرایش های تفسیری مفسران مسلمان از نیمه دوم قرن بیستم میلادی رو به توسعه نهاد. پیش از این تاریخ، کمتر مستشرقی را می یابیم که به طور مستقل در این موضوع کتابی نگاشته باشد،

38. CLMENT HUAET "WHAB BEN MANABBIH ET LATARADITON JUDO CHRTINNEAUY MEN" IN JOURNAL ASIATIQUE "TOMA 4" SEPTEMBRE - OCTOBRE 1904.

۳۹. مطالعات کلود کاهن اختصاص داشت به تاریخ و از مشهورترین تألیفات وی می توان به تاریخ العرب و الشعوب الاسلامیه اشاره کرد. شارل بیلا در زمینه ادبیات تخصص داشت و پایان نامه دکتری او الووسط البصری و تکوین الجاحظ بود. همچنین وی در تألیف تاریخ الادب العربی شرکت داشت. او رساله التریب و التدریب جاحظ را با مقدمه ای به فرانسوی ترجمه کرد و منتشر ساخت و نیز آثاری چون: البخله و التاج فی اخلاق الملوک را هم ترجمه کرد.

موضوعی خاص اختصاص می یابد. از این رو، انتشار مجلات گاه به صورت ماهنامه، فصلنامه، دو فصلنامه و سالنامه است که هر کدام بر اساس نظم خاص خود منتشر می شود. خبرنامه ها منشوراتی هستند که هدف اصلی از انتشارشان، اطلاع رسانی در شناساندن مراکز علمی، گروه ها و فعالیت های آنهاست. بحث و گفتگو از مجموع این منشورات به دلیل فراوانی، اختلاف زبان، کمی شمارگان و در دسترس نبودن آنها- جز در مراکز علمی خاص- امری ساده و آسان نیست. افزون بر اینکه فهارس این مجموعه ها نیز همیشه تخصصی نیستند و اطلاعات دقیقی از محتوای آنها را در اختیار خواننده قرار نمی دهند.

اما در زمینه موضوع تفسیر لازم است که محقق اطلاعاتی در این زمینه داشته باشد. از جمله می توان به این مورد اشاره کرد که وی در مقام نخست بایستی اسامی مستشرقانی را که در زمینه تفسیر مطلبی نوشته اند، بشناسد؛ حتی مواقعی عنوان مقاله ممکن محقق را به خطا بیندازد. برای نمونه، در این باره به دو مورد اشاره می کنم. نخست مقاله دراز دامن «وهب بن منبه و میراث یهودی-مسیحی در یمن» کلیمان هوار است که در جلد چهارم از مجموعه الجریده الاسلامیة به چاپ رسیده است. (هر چند در عنوان مقاله ارتباط خاصی با دانش تفسیر مشاهده نمی شود، ولی) نویسنده در این مقاله به بحث درباره دانش تفسیر و در خاتمه آن، به طور خلاصه به نقد تفسیر جامع البیان محمد بن جریر طبری پرداخته است<sup>۲۸</sup>. باز در همان نشریه- شماره ۲۶۱ سال ۱۹۷۳ م- پژوهشی با عنوان «پژوهش های عربی-اسلامی» چاپ شده است که در اصل کلود کاهن و شارل بیلا آن را برای همایش مستشرقان (پاریس ۱۹۷۳ م) ارائه کرده بودند. این مقاله علی رغم طولانی بودنش مطلب خاصی درباره پژوهش های اسلامی یا تفسیر قرآن ندارد؛ چرا که نویسندگان آن تنها به موضوع ادبیات عرب پرداخته اند و بس<sup>۲۹</sup>.

بر اساس نتایج روش شناختی تفسیری مستشرقان از رهاورد بررسی نگاشته های آنان در موضوع تفسیر قرآن، تصورات مستشرقان درباره این دانش در دو مبحث خاص- که در ادامه به آن دو می پردازیم- خلاصه می شود:

اول، بررسی دیدگاه های مستشرقان درباره میراث تفسیری



جز گلدزیهر و دیگر مستشرقانی که از کتاب وی اقتباس کرده‌اند. در بررسی کتاب گلدزیهر: گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان می‌بینیم که وی گفتار اول کتابش را به «مرحله نخستین تفسیر» اختصاص داده و در آن از قرائت قرآن سخن گفته، رد و نقدی از خود بیان داشته و تعداد معتناهی مغالطه درباره آن گرد آورده است. وی در ادامه به مبحث دوم با عنوان «تفسیر مأثور» پرداخته و در این مبحث نیز مطلبی را فارغ از نقد بیان نکرده است؛ چرا که هدف وی تخریب این قسم از میراث تفسیری بوده است. علت این امر هم برمی‌گردد به وجود یک سلسله روایات واهی که گلدزیهر نتوانسته است از عهده تحلیل و رفع مشکلات (فقه الحدیثی) آنها برآید. سپس گلدزیهر سخن را در بیان رویکردهای انحرافی در تفسیر قرآن به درازا کشانده است. از لابه لای درازاگویی وی در این مسئله چنین برمی‌آید که وی کتابش را تنها با هدف نقد و تخریب گرایش‌های تفسیری مسلمانان نگاشته است. او به اصطلاح خودش فصلی را به «تفسیر در پرتو عقیده» اختصاص داده و ضمن آن از تفسیر در نگاه معتزله سخن رانده است و در ادامه به بررسی تفاسیر قدیم و جدید باطنیه پرداخته است، خواه این تفاسیر باطنی از غلات منسوب به شیعه (اسماعیلیه) باشد و خواه از اهل الحاد متصوفه. فصل بعدی کتاب گلدزیهر، «تفسیر در پرتو فرقه‌های دینی» است. او در این فصل به هنگام بحث از تفسیر در نزد شیعه امامیه و اسماعیلیه، سخنانی افرا آمیز و دروغ فراوان گفته است و با روشی حیل‌گرانه و آمیخته با خیانت، به خلط آرا و دیدگاه‌های امامیه با فرقه اسماعیلیه پرداخته است. فصل پایانی کتابش مسمّا به تفسیر در پرتو تمدن اسلامی است که به تفصیل از تفسیر در نگاه محمد عبده و شاگردان وی - که از آنها به معتزلیان جدید یاد می‌کند - سخن گفته است. خواننده این فصل می‌یابد که گلدزیهر چگونه به تحقیق موارد اختلافی تفسیر المنار با جمهور اهل سنت در مسائل اعتقادات و تفسیر پرداخته است. چگونگی تحقیق گلدزیهر به گونه‌ای است که خواننده احساسی را که او در تألیف این فصل داشته، به خوبی در خود احساس و درک می‌کند.

مستشرقان پسین، کار گلدزیهر را بستری مناسب برای تألیف

در موضوع روش‌های تفسیر قرآن و کتاب او را راهنمای خوبی برای هدف خود در کتاب‌های تفسیری یافتند. با این حال، مستشرقان پسین در روش‌شناسی تفاسیر قرآن تنها به مکتوبات تفسیری قدیمی که گلدزیهر به یادکرد اسامی برخی از آنها بسنده کرده بود، اکتفا کردند و از تفاسیر جدید نیز تنها میراث تفسیری مدرسه المنار را پسندیدند<sup>۴۰</sup>. از میان آنان، مستشرقی به نام ژاک جویمیر، از روحانیون کلیسای دومینیکن، پایان‌نامه دکتری خودش را دانشگاه

سوربون به موضوع «مکتب تفسیری محمد عبده» اختصاص داد که بعدها در سال ۱۹۴۵ م تحت عنوان «تفسیر قرآن در مدرسه المنار»<sup>۴۱</sup> در پاریس چاپ شد. همو در سال ۱۹۸۵ م پژوهشی را تحت عنوان «طنطاوی جوهری و تفسیر الجواهر» ضمن منشورات مرکز مطالعات شرق‌شناسی دومینیکن به چاپ رساند.

پس از ژاک جویمیر، مستشرق دیگری به نام ج. بالجوت کتابی را به زبان انگلیسی به عنوان «تفسیر قرآن در دوره جدید» تألیف کرد و در سال ۱۹۶۱ م در لیدن منتشر ساخت. این کتاب در واقع بررسی توصیفی نویسنده از گرایش‌های تفسیر دوره معاصر است<sup>۴۲</sup>.

### ۲-۲-۳. بزرگداشت مستشرقان از جایگاه میراث تفسیری منحرف

کتاب گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان گلدزیهر پس از انتشار از سوی کتابخانه بریل در لیدن هلند (۱۹۲۰ م)، برای مستشرقان دیگر روشی را بنا نهاد که می‌بایست در تعامل با دیگر کتب مهم تفسیر قرآن رعایت شود. شخصیت گلدزیهر و قدمت کتاب او در این موضوع باعث شد که کتاب گرایش‌های تفسیر در میان مسلمانان به عنوان مرجع در تمامی مطالعات استشرافی در باب قرآن و تفسیر جایبفتد و سنتی شد برای مستشرقان متأخر که سرفصلی از آن را اقتباس کنند و پا به پای آن به تحقیق خود بپردازند. جالب آنکه این کتاب با وجود نواقص فراوان، تعصب نویسنده و کم ارزش بودن اطلاعات آن نسبت به تفاسیر زیادی که گلدزیهر از آنها غفلت ورزیده است، تا پایان قرن بیستم، الهام‌بخش مستشرقانی بود که در موضوع تفسیر قرآن کتاب نوشته‌اند<sup>۴۳</sup>. وقتی به این کتاب می‌نگریم - با اینکه زمان آن

40. MODERN COMMENTARIES "THE NEW ENCYCLOPEDIA BRITANNICA" V 22" P9.

41. J. JOMIER "LE COMMENTAIRE CORANIQUE DU MANAR MAISONNEUVE" PARIS 1945.

42. J.M: BALJON "MODERN MUSLIM HORAN INTERPRETATION 1880 - 1960.

۴۳. همانند کلود ژویو نویسنده مدخل تفسیر در دایرة المعارف جهان (۱۹۹۰ م).

استشراق هستیم که در تلاش‌های بلاشر به اوج خود رسید؛ کسی که خودش را در اثبات اصول تفسیر قرآن به زحمت زیادی انداخت. او در این زمینه بر این رأی بود که تفسیر در دوره آغازین خود دارای ارزش نسبی است، به ویژه تفاسیری که به مقاطع بسیار پیچیده تاریخی تعلق دارند. در نگاه بلاشر همان طوری که متن قرآن تفاسیر متعدد را می‌پذیرد، به همین شکل تعدد قرائات را نیز پذیرفته است. البته تفاسیر متعدد در صورتی معتبر هستند که به تأیید اجماع برسند. از همین جا ما به نگرشی دست می‌یابیم که ما را در فهم قرآن در پرتو تطور تاریخی آن با مفاهیم نامحدودی یاری می‌کند<sup>۴۷</sup> بلاشر و پس از او جان بیرک و دیگران تلاش دارند تا اثبات کنند که خاستگاه تعدد معانی و احتمال پذیری تفاسیر گونه‌گون آیات قرآن، زاینده ورود تراث تفسیری فرقه‌های انحرافی/ضالّه از جمله باطنیه و دیگر گروه‌های مذهبی، به درون دانش تفسیر قرآن و امتزاج با آن بوده است.

در جهت حرکت در مسیر انگیزه سرکش پاسداشت تراث تفسیری منحرف، نگاشته‌های مستشرقان به احیای آثار اهل بدعت در موضوع تفسیر قرآن روی آوردند و این تصادفی نبود که آنان بدون نیت در موضوع «تفسیر قرآن و زبان صوفی» مطلب بنویسند یا چند مدخل از دایرة المعارف جدید بریتانیکا به بحث در موضوع تفسیر در قرن‌های میانی هجری در نگاه متکلمان و صوفیه اختصاص یابد<sup>۴۸</sup>. حتی فراتر از آن مستشرقانی هستند که همایش‌هایی را درباره مکتوبات تفسیری نوشته شده بر اساس روش بدعت‌گرا، برگزار می‌کنند و برای شخص پژوهشگر بی هیچ دغدغه‌ای این نکته روشن است که آنان چگونه از پایان‌نامه محمد احمد خلف الله با موضوع الفن القصصی فی القرآن استقبال کردند.

### ۳-۲-۳. مستشرقان و نقد تفاسیر مهم

منظور از کلمه نقد در عنوان این مبحث سنجش و ارزش‌گذاری تفاسیر مهم از سوی مستشرقان و معانی همسان آن نیست، بلکه مقصود بیان اتهامات و افتراهای ناروای آنان درباره تفاسیر مختلف به ویژه آثار مهم و اصیل این دانش است. از آغاز قرن

سپری شده و لااقل از حیث علمی محض اعتبار خود را از دست داده است. شاهد اهتمام و تمایل شدید نویسندگان به روش‌های تفسیری منحرف موجود در تاریخ تفسیر قرآن هستیم. با نگاهی اجمالی به فهرست این کتاب - گرچه به متن آن نیز مراجعه نکنیم - می‌بینیم که تمام ۴۷ صفحه فصل تفسیر مآثور، چیزی جز طعن و رد این گرایش تفسیری نیست که تنها بر اساس یک سلسله روایات صورت گرفته است؛ در حالی که نگاشته‌های بدعت‌گرای منسوب به تفسیر قرآن - علی‌رغم محدودیت آنها - ۲۱۷ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است.

نخستین انگیزه گلدزیهر در اهتمام به تراث تفسیری منحرف، در اصل برگشت دارد به این پیش‌فرض او که تفسیر گروه‌های انحرافی (فرقه‌های مذهبی) تحت تأثیر عوامل بیرونی و به ویژه اعتقادات اهل کتاب شکل گرفته است. برای نمونه، در گوشه‌ای از گفتار او - در تبیین تفسیر معتزله - این تأثیر پذیری به طور مشخص چنین آمده است: «در فرصتی فراخ می‌توان این موضوع را اثبات کرد که آن اندیشه‌های دینی و مسائل عقیدتی که در دو قرن نخست هجری نزد دانشمندان کلام اسلامی از اعتبار بالایی برخوردار بوده، تحت تأثیر و برگرفته از فعالیت‌های گروه‌های داخل کنیسه‌ها و فرقه‌های مسیحی شرق به ویژه سوریه بود و این خود در مرحله نخستین فراگیری بود<sup>۴۴</sup>».

همچنین زمانی که او از تفسیر باطنیه سخن می‌گوید: «در حقیقت مبانی نظری صوفیان و اخوان الصفا با همدیگر مشترکاتی دارد. یکی از مشترکات این است که هر دو گروه ابزارهایی را در اختیار انسان قرار می‌دهند تا به سوی هدف نهایی که همان نیل به نیکی اعلی است، رهسپار شود؛ اگر چه تصور و ادراک آن ممکن است به صورت‌های مختلف بیان شود. از دیگر نکات مشترک این دو گروه، تأثیر پذیری هر دو از اندیشه‌های نوافلاطونی و گنوسی است<sup>۴۵</sup>».

در جهت اهمیت ویژه و آشکاری که گلدزیهر به تفاسیر گروه‌های انحرافی قائل شد، مستشرقان بعد از او نیز سعی داشته‌اند تا این میراث منحرف را در ضمن تاریخ تفسیر قرآن جای دهند و آنها را به عنوان نمونه‌ای برای تفسیر قرآن مطرح سازند<sup>۴۶</sup>. در امتداد همین هدف، شاهد زیرکی مکارانه جریان

۴۴. مذاهب التفسیر الاسلامی، گلدزیهر، ص ۱۷۱.

۴۵. همان، ص ۲۲۹.

۴۶. ر.ک: همان، ص ۱۳۵.

۴۷. القرآن نزوله و تدوینہ ... ، بلاشر، ص ۱۱۳. جان بیرک نیز در کتاب RELIRE LE CORAN به شدت از نظریه تعدد معانی آیات قرآن طرف‌داری می‌کند.

48. THE NEW ENCYCLOPAEDIA BRITANNICA "V 22" P9.



بیستم میلادی جریان استشراق از هیچ کوششی برای دستیابی به تفاسیر اصیل و مهم دریغ نکرده است. بر همین اساس، کلیمان هوار (۱۹۲۷م)، کارمند اداره مستعمرات فرانسه، در مجله الاسبویه سال ۱۹۰۴م مقاله‌ای را منتشر و در پایان آن ادعا کرد که کتب تفسیر قرآن از میراث اهل کتاب برگرفته شده است و سخن خود را به طور خلاصه چنین بیان کرد: «همانا بخش‌های زیادی از تفسیر طبری ارتباط و همانندی زیادی با بخش مشابه آن در سفر تکوین کتاب مقدس دارد که از روایات یهودی و مسیحی گزارش شده است و وهب بن منبه کسی است که این مطالب در پایان قرن نخست هجری از طریق او به داخل جهان اسلام راه یافته است»<sup>۴۹</sup>.

پس از کلیمان هوار می‌بینیم که گلدزیهر نیز به تفسیر دوره صحابه حمله ور شده و تا تفسیر ابن جریر پیش رفته و گفته است که وی جامع البیان را چیزی بیش از یک دایرة المعارف اسرائیلیات ندیده است؛ چرا که به گفته گلدزیهر، ابن جریر در استفاده از منابع یهودی الاصل مانعی نمی‌دید، خصوصاً آنجا که به روایت‌های اسرائیلی مربوط می‌شود. ابن جریر در این مقام در پی اثبات آنچه دیگران پیش از وی گفته‌اند، نیست؛ بلکه تفسیر طبری یکی از منابعی است که انواع سخنان اسرائیلی در آن به وضوح مشاهده می‌شود، همچنین افسانه‌های نصرانی که شخصی چون وهب بن منبه راوی آن است<sup>۵۰</sup>.

در چاپ نخست دایرة المعارف اسلام، حمله مستشرقان به دانش تفسیر قرآن از این نکته آغاز شد که آنان از روی تسامح ادعا کردند که همه روایاتی که در کتب تفسیری آمده است، اصل و ریشه‌ای ندارند. کارادیفو، نویسنده مدخل تفسیر دایرة المعارف اسلام، می‌نویسد: «دانش تفسیر علمی قدیمی است که ریشه تاریخی آن به صدر اسلام بر می‌گردد. نقل شده است که ابن عباس (۶۸ هجری) در دانش تفسیر استاد بوده است. به ایشان تفسیری را نیز نسبت داده‌اند. ناقدان معاصر چون: گلدزیهر و لامنس و دیگران درباره ارزش و درستی احادیث تفسیری که در این کتاب‌ها آمده است، تردید داشته و پرسش‌هایی را مطرح کرده‌اند، ولی در مقابل به پاسخی جامع و قانع‌کننده دست نیافته‌اند. به ظاهر اغلب این روایات ساختگی (موضوع) هستند که برای بیان مسئله شرعی، اهداف اعتقادی-کلامی و یا صرف ارائه توضیح و تبیین مطلبی و گاه به هدف لهو و تفریح خاطر جعل و وضع شده‌اند. از همین روی، ناقدان دوره معاصر بر این باورند که از این تفاسیر نمی‌توان اخبار صحیحی از اسباب نزول قرآن و چگونگی شیوع آن در میان مردم، به دست آورد»<sup>۵۱</sup>.

در این میان تفسیر طبری (۳۱۰ هجری) از جمله کتاب‌های تفسیری است که بیشترین اتهامات علیه آن از طرف مستشرقان مطرح شده است؛ حتی در چند سال اخیر زمانی که بیرژودی در سال ۱۹۸۳م آن را با عنوان مختصر تفسیر طبری به زبان فرانسه ترجمه کرد، در مقدمه خود گفتاری تحت عنوان «مطالبی گذرا» آورد که برگرفته از ایده‌های مراکز استشراقی و به اصرار آنان بوده است. او در لابه‌لای مطالب مقدمه، خواننده را به تحقیق جامع البیان مطابق با روش پژوهش‌های علمی معاصر فراخوانده است. از جمله مطالبی که متذکر شده است، تبیین نقش تأثیر گذار و حدود اثر گذاری جامع البیان در شکل‌گیری اندیشه ارتودوکس اهل سنت در جهان اسلام بوده است<sup>۵۲</sup>، لکن چیزی که ما را از آماج نقدها و اتهامات مستشرقان علیه تفسیر جامع البیان طبری در امان نگه می‌دارد، توجه به دو نکته ذیل است:

الف) اینکه مستشرقان چنین جملات و نقدها را به گونه یک امر واجب بر خود قلمداد کرده‌اند، برخاسته از نگرش آنان به میراث تفسیری منحرف و بدعت‌گراست. از این رو، برای اینکه عرصه را بر این تراش تنگ نگه دارند، ناگزیر به سراغ تفاسیر مقابل آن-که همان تفاسیر بزرگان اهل سنت است و جامع البیان نیز از جمله آنهاست-رفته و اشکالاتی را بر آنها مطرح ساخته‌اند.

ب) جهل و نادانی اغلب مستشرقان قرآن پژوه به زبان عربی آنان را در جایگاهی قرار داده است که مجبور شده‌اند بدون هیچ تردیدی به سخنان گذشتگان خود در آغاز این قرن گوش فرا دهند. از همین رو است که از همان آغاز ما شاهد تکرار عین سخنان گلدزیهر در نوشته‌های آنان هستیم؛ حال آنکه آثار مکتوب قرآنی متداول در حال حاضر بسی بیشتر از مقداری است که پیش از وفات گلدزیهر بوده است.

49. CLMENT HUAET "WHAB BEN MANABBIH ET LATAR-ADITON MEN" IN JOURNAL ASIATIQUE "10 SRIE" T4" P 350.

۵۰. مذاهب التفسیر الاسلامی، گلدزیهر، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۵۱. دایرة المعارف اسلام، ج ۵، ص ۳۴۷.

52. COMMENTAIRE CORAN "ABEG" TRADUIET ANNOT par PIRE GOD" P10.

خود اقتضای مراجعه به تاریخ جمع مصحف شریف قرآن را دارد؛ همان طور که مستشرقان در گام اول به بازنگری مسئله جمع قرآن در عهد خلافت عثمان توجه یافتند<sup>۵۴</sup>. کسی که نوشته های مستشرقان را در این موضوع مورد مطالعه و بررسی قرار دهد، ناگزیر به هدف مورد علاقه (و از پیش تعیین شده) مستشرقان در این موضوع دست می یابد. این هدف چیزی جز اثبات امکان تصرف در متن قرآن به شکل زیاده و نقصان نیست. برای تحقق همین هدف نوشته های مستشرقان-آن چنان که بر شخص آگاه روشن است- از آغاز تاکنون، سه جهت گیری عمده را در مطالعات خود داشته اند:

اول: تحقیق منابع قرائات شاذ، نادر و منکر قرآنی، برگزاری همایش هایی در این موضوع و انتشار نتایج آن؛

دوم: کوشش فراوان در شناخت بقایا و بازماندگان فرقه های گمراه و باطل مختلف جهان اسلام از گذشته تا کنون، گردآوری تراث مکتوب و کتب ضاله آنها درباره قرآن و انتشار آنها. در این زمینه مستشرقان در شناسایی بازماندگان فرقه اسماعیلیه به ویژه در منطقه شمال هند، لبنان، جبال علوین نزدیک لاذقیه سوریه-که طایفه نصیرییه از این فرقه در آنجا ساکن هستند- تلاش زیادی کردند<sup>۵۵</sup>؛

سوم: مستشرقان در پس پرده طرح پیشنهادی خود به دنبال بازسازی و سامان دهی مصحف جدیدی از قرآن هستند که بر اساس ترتیب نزول قرآن سامان یافته باشد. این مصحف برای آنان این امکان را فراهم می آورد تا بتوانند دیدگاه های باطل و گمراه گر خود را در لابه لای آن داخل کنند. فارغ از محال بودن انجام این تحقیق-به دلیل فقدان روایات کافی در بیان زمان نزول بخش های زیادی از قرآن-، ادعای به دست آوردن چنین ترتیب نزولی از قرآن، در دل خود فراخوانی است برای بازسازی متن جدیدی از قرآن برای مسلمانان که از همان آغاز بسیاری از مستشرقان متعصب که این هدف را در سر می پروراندند، به دنبال تحقق آن برده اند<sup>۵۶</sup>. اما اسباب و انگیزه هایی که ادعای بازخوانی تاریخ مصحف قرآن را برای مستشرقان نیک جلوه گر

### ۳-۳. روش پیشنهادی-ابتکاری مستشرقان در تفسیر قرآن

در نیمه قرن بیستم میلادی نوشته های نشر یافته مستشرقان در زمینه تفسیر قرآن رو به فزونی رفت و از میان مستشرقان افرادی چون: بلاشر فرانسیس، بیرتزل آلمانی، آربری انگلیسی و آرتور جفری آمریکایی استرالیایی الاصل در حوزه مطالعات قرآنی شهرت یافتند. با عنایت به فراوانی آثاری که اینان و دیگران از آنان در حوزه قرآن پژوهی به چاپ رساندند، آنان خیال کردند که نه تنها در زمینه روش شناسی گرایش های تفسیری متخصص و شایستگان برای تألیف هستند، بلکه می توانند با همان جایگاه علمی خود به اصل تفسیر متن قرآن نیز بپردازند. مستشرقان برای جلوگیری از متهم شدنشان به کلی گویی و تفسیر به رأی در تفسیر قرآن، صورت علمی به پروژه های مطالعات قرآنی خود دادند و خود را داعیه دار پژوهش علمی نظام مند و روشمند مطرح ساختند. آنان در این زمینه تلاش های فراوانی کردند تا بتوانند ابتکار و نوآوری روش استشرافی خود را در تفسیر قرآن جا بیندازند. کلودژیو تمامی روش استشرافی تفسیر قرآن را ذیل مدخل قرآن در دایرة المعارف جهان تحت گفتاری خاص با عنوان قرآن و پژوهش های معاصر گرد آورده است<sup>۵۳</sup> که خود بر سه اصل ذیل استوار است:

اول: باز پژوهی تاریخی مسئله جمع و تدوین قرآن؛

دوم: اهتمام به نقد علمی تفاسیر مهم و معتبر؛

سوم: بازخوانی تفسیر دوباره قرآن مبتنی بر داده های علوم انسانی معاصر غرب.

در حقیقت خواننده مسلمانی که آگاهی کافی از دانش تفسیر و تاریخ این دانش دارد، نمی فهمد که مستشرقان چگونه و چه زمانی این طرح را به انجام رسانده اند؟ چه کسی بر این طرح اشراف علمی داشته و آن را به انجام رسانده است؟ اینها جدای از پرسش امروزی است که انگیزه و اسباب مستشرقان در انجام این پروژه و هدف آنان از این طرح چیست؟

### ۳-۳-۱. دعوت به بازسازی مصحف

دعوت به بازسازی مصحف قرآن، نخستین گامی است که مستشرقان در روش ابتکاری خود مطرح کردند. این فراخوان

53. ENCYCLOPAEDIA UNIVERASALIS CORPUS & "PP 547 - 548.

۵۴. القرآن نزوله و تدوینه ... ، بلاشر، ص ۳۱.

۵۵. مذاهب التفسیر الاسلامی، گلدزیهر، ص ۲۹۴-۲۹۸؛ القرآن نزوله و تدوینه ... ، بلاشر، ص ۳۴-۳۷؛ مدخل قرآن در:

RGIS BLACHER "DU MEESAGE AU FAIT CARANIQUE IN ENCYCLOPAEDIA UNIVERSALIS "CORPUS6" PP 540.

۵۶. در این باره اختلاف نظر شدیدی میان «ویل»، «تولدکه» و «بلاشر» وجود دارد. ر. ک:

ENCYCLOPAEDIA OF ESLAM "MEED3" TA5" P 418.



ساخت، عبارت از عوامل ذیل بود:

۱. روش و چگونگی جمع مصحف در دوره خلافت عثمان.
- مستشرقان در این بخش سعی دارند به بازنگری روش معمول مسلمانان در تمییز و شناخت قرائات متواتر، مشهور و ... از قرائات شاذ- که بعدها از مصحف‌ها دور نگه داشته شدند- فراخوانند. مستشرقان ادعا دارند که این جدایی و تمییز (قرائات از یکدیگر) بعدها انجام نشد و پایان‌پذیرفت<sup>۵۷</sup>.
۲. مصحف عثمانی که از گذشته تا کنون دست به دست مسلمانان در حال گردش بوده، تدوین کاملی نداشته است. از همین رو، بعدها این مصحف نیازمند آرای فقیهان در بیان ناسخ و منسوخ متن آن شد و دلیل آن وجود برخی از تشریحات همانند مجازات رجم در متن (برخی از گزاره‌های) آن است<sup>۵۸</sup>.
۳. مصحف عثمانی تا قرن چهارم هجری / دهم میلادی پیوسته مورد تحقیق بوده است<sup>۵۹</sup>.

#### ۳-۲. درخواست مستشرقان برای نقد تفاسیر پیشین

مستشرقان در فرایند نقد تفاسیر اسلامی، مطلقاً توجهی به تطبیق و اجرای روش‌های متعارف و معمول محدثان بزرگ اسلامی در نقد آثار تفسیری ندارند؛ منظور همان نقد روشمندی است که برخی از مفسران بزرگ اسلامی در کتاب‌های خود مطابق آن مشی کرده‌اند. همچنین نقد مستشرقان رویکردهای منحرف تفسیری- پیدا شده در طول تاریخ تفسیر- را در بر نمی‌گیرد. آنچه مستشرقان در درجه نخست به دنبال آن هستند، نقد تفاسیر مهم بزرگان اهل سنت است. روش به کار گرفته شده مستشرقان در نقد این تفاسیر، هیچ ارتباطی به حوزه قرآن و قرآن‌پژوهی ندارد. از آنجا که برای مستشرقان دستیابی کامل به شیوه‌های محدثان بزرگ اسلامی در نقد (آثار تفسیری) ممکن نبود، در حقیقت ادعا و تلاش آنان در نقد تفاسیر مهم (بزرگان اهل سنت)، چیزی جز تلاش برای نابودی دانش تفسیر قرآن نیست. هنگامی که مدخل قرآن در دایرة المعارف جهان را ملاحظه می‌کنیم، گفتاری بس روشن در زمینه نقد میراث تفسیری از مستشرقان را می‌یابیم که خود در خدمت هدف واحدی به کار گرفته شده است و آن تلاش برای بیان این مطلب است که چگونه علوم اسنادی با پیوند گروهی مسلمانان از طریق زنجیره اسناد روایات با روایان حدیث، نقش اساسی و بنیادین در تثبیت ایدئولوژی اهل سنت بازی کرده است<sup>۶۰</sup>. کلود ژبو در این باره چنین می‌نویسد: «فرایند نقد مکتوبات تفسیر مأثور مسلمانان، ما را به یک اقدام (فراخوان و مشارکت جدی) در طرح تفسیر دوباره قرآن رهنمون می‌شود؛ در حقیقت آثار مفسران بزرگ اسلامی خود مهم‌ترین شاهد بر روشی است که به مدد آن حافظه

مشترک اسلامی شکل گرفته است: تفسیر روایی همانند تفسیر طبری- جدای از توضیحات فلسفی، نحوی و شواهد شعری که دارد- مجموعه بسیار بزرگی از مرویات تفسیری را در خود جای داده که به واسطه بیش از ۳۵ هزار زنجیره سند، روایت شده است. خود طبری ما را به طریق و روشی که توسط آن این روایات نقل شده، یاری می‌رساند و این نکته‌ای است که همیشه در بازخوانی تصورات ذهنی مورد توجه است. در این کوره آزمایش، مفسر تنها گردآور و دارنده روایات و انتقال‌دهنده آن به گروه پس از خود نیست، بلکه او روایات رسیده را مرتب و دسته‌بندی می‌کند، میان روایات ترجیح قائل می‌شود و از رأی شخصی خود نیز در ترجیح روایات بهره می‌گیرد، سپس با روایات، دلالتی (مفهوم و نگرشی) در اندیشه عمومی اسلام ایجاد می‌کند و البته دلالت برآمده از روایات، به وسیله شخص مفسر و به واسطه سلسله روایان- که از سوی آنان اندیشه و بینش اعتقادی گروهی اهل ایمان تضمین شده است- تأکید و اثبات می‌شود. پناه بردن مفسر به چنین گفتگویی تنها بر اسناد حدیث اعتماد دارد، برای ما آشکار می‌سازد که افتادگی‌ها و کاستی‌های مختلفی در کتب تفسیری اتفاق افتاده است؛ چرا که در کتاب‌های تفسیری انگیزه‌ها تنها متوجه گردآوری مرویات تفسیری برخی از صحابه بوده است؛ افرادی که در کتاب‌های پیشین، از آنان به اسطوره پردازان یاد شده است، همانند پسر عموی محمد بن عبدالله بن عباس (۶۸ هجری). چنین پژوهش‌هایی، مسئله جدیدی را برای ما مطرح می‌کند و آن پرسش از حقیقت واقعی و بدعت خیالی در کتب تفسیری و ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. همان‌طور که پیشتر نیز گذشت، این مسئله در حوزه

57. A.T. WELCH. ALKURAN "ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM" T5" PP407 -; C.GILLOT "LXGE DU CORAN" ENCYCLOPAEDIA UNIVERASALIS "CORPUS6" P 547.

58. C.GILLOT "LXGE DU CORAN" ENCYCLOPAEDIA UNIVERASALIS" COROUS6" P 548; J. BURTON "THE COLLECTION OF THE QURAN" CAMBRIDGE 1977.

۵۹. القرآن نزوله و تدوینه ...، بلاشر، ص ۳۴

۶۰. در این باره ر. ک: دایرة المعارف اسلام (با تعلیقات احمد شاکر)، مدخل حدیث، ج۷، ص ۳۳۳.

جوامع ابتدایی) و دانش تاریخ ادیان، همان تأثیر را در زمینه تفسیر قرآن در غرب پدیدار ساختند. برای نمونه، مباحثی چون: شعارها و رمزهای دینی، نقش آگاهی دینی و نقش اسطوره‌های مرتبط به دین، اینها همگی این امکان را به ما می‌دهند تا میان دو رویکرد نوظهور غربی در حوزه تفسیر قرآن تفاوت قائل شویم: رویکرد اول اهتمام جدی به تاریخ، پیدایش، جمع و کتابت قرآن دارد. رویکرد دوم دعوت به بازنگری دانش تفسیر با استفاده از ابزارها و داده‌های مختلفی است که دانش‌های گوناگون علوم انسانی در اختیار ما قرار می‌دهد. این رویکرد دعوت به نقد و بررسی تفاسیر مهم قدیمی را نیز دارد. بخش اخیر ادعای رویکرد دوم، شاهد بر روشی است که از طریق آن، تعامل با متن قرآن به هدف تشکیل اندیشه اسلامی در مراحل متعدد تاریخی انجام یافته است. در واقع پژوهش ناقدانه این تفاسیر به دنبال شناخت روشی است که از طریق آن اندیشه اسلامی سامان یافته است؛ اینکه دین اسلام چگونه شکل گرفته است و مسلمانان آن را چگونه در وجدان خویش تصور می‌کنند<sup>۶۲</sup>.

آنچه از لابه لای عبارات این مستشرق به دست می‌آید، این است که گفتار مستشرقان در فراخوان به بازنگری تفسیر قرآن منشعب از چند فرضیه است که مستشرقان در سخنان خود سعی در تأکید و اثبات آنها در ذهن خواننده دارند. فرضیه‌های مذکور عبارت‌اند از:

فرضیه نخست: پنداشت قرآن به عنوان یک تراش خاص که از حیث تاریخی به دوره قرون وسطی بازگشت دارد و پژوهش در متن قرآن نیازمند اعمال مبادی و قواعد رشته پژوهش جوامع ابتدایی است<sup>۶۳</sup>؛

فرضیه دوم: اصل هدایتگری قرآن در حوزه اعتقادات و قانون‌گذاری؛ همان قوانین و احکامی است که دانشمندان اسلامی در داخل آن جای داده‌اند تا از طریق آن برای پیروان اسلام الزام ایجاد کنند<sup>۶۴</sup>؛

61. C.GILLOT "LE CORANET LES RECHERCHES CONTEMPORAINES" ENCYCLOPAEDIA UNIVERASALIS "CORPUS6" P 548.

62. ENCYCLOPAEDIA UNIVERASALIS "CORPUS6" P 548.

۶۳. ر.ک: مقاله نگارنده با عنوان: «مطالعن المستشرقین فی ربانیه القرآن»، مجلة الشریعة و الدراسات الاسلامیة، ش ۳۸، ربیع الثانی ۱۴۲۰ هـ، ص ۶۱-۱۵۹.

۶۴. ر.ک: رساله «الشریعة الاسلامیة» از شاخست در: تراث الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۴ و

J.SCHACHT "LALOIET LAJUSTIC" ENCYCLOPAEDIA UNIVERASALIS "CORPUS6" P 548.

پژوهش‌های جوامع ابتدایی و تاریخ قدیم و دوره میانی غرب نیز مطرح بوده است<sup>۶۱</sup>.

این تنها سخن یک مستشرق بی‌نام و نشان نیست، بلکه بیانگر خلاصه و نهایت تلاشی است که مستشرقان در پایان قرن بیستم بدان دست یافته‌اند. برای خواننده روشن است که هدف نهایی آنان از نقد تراش تفسیری مسلمانان، همان افترا و متهم ساختن بخشی از سنت یعنی احادیث تفسیری و تشکیک در عدالت صحابه پیامبر (ص) است تا بتوانند از طریق آن دو، افتراها و اتهامات بی‌پایه و اساس خود را به میراث تفسیری اسلام نسبت دهند. این همان حقیقت و لب پژوهش مستشرقان در موضوع دانش تفسیر است؛ چنان که در ادامه توضیح بیشتر آن خواهد آمد.

### ۳-۲. فراخوان مستشرقان برای تفسیر دوباره قرآن

برای تفسیر قرآن (همانند سایر دانش‌ها) قواعد، آداب و مصادری هست؛ رشته‌ای از دانش‌های مختلف معارف علوم انسانی-چه مرتبط به حوزه دین باشد و چه غیر دین- وجود ندارد که خارج از این اصل عمومی باشد. از آنجا که این مقاله فرصت آن را ندارد که از اصول دانش تفسیر سخن بگوید، تنها به تأکید بر این اصول بسنده می‌کنیم و بیان مطلب را به جای مناسب خود احواله می‌دهیم. جریان معاصر استشرق، از این مطلب (رعایت اصول دانش تفسیر) در تفسیر قرآن غافل نبوده است، لکن به بهانه استفاده از داده‌های علوم انسانی غرب بهره‌وری از اصول متعارف تفسیر را رها کرده و از روی عمد این اصول را کنار نهاده است. به دنبال همین ادعا، مستشرقانی که از آغاز نیمه دوم قرن بیستم به مطالعات قرآنی اشتغال داشتند، درخواست بازنگری تفسیر قرآن بر اساس داده‌های علوم انسانی غرب را کردند. این داده‌ها همان مطالبی است که مراکز سکولار و جنبش‌های لائیک غرب به تطبیق آنها بر میراث دینی تحریف یافته، اصرار دارند. در همین زمینه در مدخل قرآن دایرة المعارف جبهان-چاپ سال ۱۹۹۰ م- چنین آمده است: «تطور پژوهش‌های قرآنی غرب در اواسط قرن بیستم میلادی، تحت تأثیر پیشرفتی بود که در پرتو تفسیر کتاب مقدس و دیدگاه‌های ادبی حاصل شده بود. علوم انسانی به ویژه رشته جامعه‌شناسی (مطالعه

فرضیه سوم: تفسیر قرآنی که امروزه در دسترس مردم است، ساخته و پرداخته مفسرانی است که آن را از روی احادیث مسند سامان داده اند. این احادیث در نهایت به تعدادی از صحابه می‌رسد که هر یک از آنان نوعی نگرش اسطوره‌ای داشته و در میان مسلمانان به این صفت شناخته شده‌اند؛

فرضیه چهارم: دینی که قرآن معرفی می‌کند، آیینی است که در گزاره‌های آن نشانی از اهتمام و توجه به سلوک (اجتماعی) مردمان نیست؛ نهایت چیزی که از آموزه‌های قرآن بر می‌آید، مخاطب قرار دادن وجدان شخصی فرد مؤمن است؛ همان‌طور که مسیحیت نیز در نزد پیروانش، به همین شکل استقرار یافت. در نهایت و فراتر از این، چرا دین اسلام برگرفته از تراث اهل کتاب نباشد؟

#### ۴. سنجش مکتوبات تفسیری مستشرقان

سنجش مکتوبات تفسیری مستشرقان، در شناخت و استقرای منابع متعددی که آنان (در تألیفات خود) بدان اعتماد داشته و دیدگاه‌ها و نتایج علمی خود را بر آن استوار ساخته‌اند، دارای فایده است. همچنین بحث از ویژگی‌ها و امتیازات این مکتوبات نیز داخل در سنجش ماست. بیان ویژگی‌های تفسیری مستشرقان، می‌طلبد که نخست درباره ارزش علمی پژوهش‌های مستشرقان در این موضوع سخن بگوییم. منابع مطالعات قرآنی مستشرقان هر چه که باشد، حقیقتی که در اینجا بایستی روشن شود و نباید از آن غافل شد، پیش از آنکه شخصیت مستشرق آن را بپوشاند. تعصب دینی و رفتاری است که میان مستشرق و بحث علمی او در حوزه قرآن و تفسیر، به سان پرده‌ای فاصله می‌اندازد.

#### ۴-۱. منابع مستشرقان در تألیف آثار تفسیری

منابعی که مستشرقان در تألیف آثار مرتبط به تفسیر قرآن از آنها بهره گرفته‌اند، مختلف و متنوع هستند. این تنوع خود برآمده از چندین عامل است؛ عواملی چون: مطالعات پیاپی و یکسره قرآنی مستشرقان، آشنایی آنان با زبان‌های مختلف اروپایی و آگاهی از ادبیات عرب.

شایان ذکر است مستشرقانی که در زمینه‌های مختلف اندیشه اسلامی مطلب می‌نویسند، نگاشته‌های مختصر پیشینیان آنان در این حوزه، جلوه خوبی برای ایشان ندارد. اما اثر عامل آشنایی با زبان‌های مختلف اروپایی در منشورات مرتبط به تفسیر جریان استشرق- که به زبان‌های مختلفی چون: فرانسه، آلمانی، انگلیسی و ... تألیف می‌شود- آشکار است. همچنین در مقابل،

ترجمه این منشورات به زبان‌های دیگر، فرایند ترجمه در غرب را در زمینه‌های مختلف معرفتی، به تکاپوی بیشتری واداشته است. منظور از عامل سوم نیز- آگاهی از ادبیات عرب- به معنی آشنایی کامل با آن نیست؛ چرا که اغلب مستشرقان بزرگ، حتی توانایی مکالمه به زبان عربی را نداشته‌اند و شمار اندکی از آنان به دشواری مکالمه عربی را می‌فهمند؛ حتی اکثر مستشرقانی که در کشورهای عربی به دنیا آمده و در همان‌جا نیز زندگی کرده‌اند، در هنگام مطالعه کتاب‌های عربی باز با همین مشکل روبه‌رو هستند. از این رو، منابع مورد اعتماد مستشرقان در حوزه تفسیر قرآن، بیشتر منابع میانی (واسطه‌ای) و دست دومی است که خود مستشرقان تألیف و منتشر کرده‌اند. در مواقعی هم که برخی از آنان به مصادر و منابع عربی ارجاع می‌دهند، غالب این منابع کتاب‌های ترجمه شده از زبان عربی به زبان‌های اروپایی هستند. در نتیجه بحث از منابع نگاشته‌های تفسیری مستشرقان بر می‌طلبد که این منابع را به دو قسم ذیل تقسیم کنیم:

اول، کتاب‌هایی که مؤلفانشان به منابع عربی ارجاع می‌دهند و به زبان‌های اروپایی ترجمه نشده‌اند. این قسم به طور نسبی اندک است. از این نمونه است کتاب روش‌های تفسیری در میان مسلمانان از گلنزیهر که در سال ۱۹۲۰م در لیدن به چاپ رسید. همچنین است آنچه ویلتاش در دایرة المعارف اسلام (چاپ دوم، بریل، لیدن، ۱۹۸۶ میلادی) نوشته است. او به منابع عربی ترجمه شده به زبان‌های اروپایی ارجاع داده است.

دوم، کتاب‌هایی که در سایه سار میراث تفسیری جریان استشرق سامان یافته است. این قسم غالب و بیشینه آثار مستشرقان در موضوع تفسیر قرآن را شامل می‌شود. اگر مدخل‌های مختلف دایرة المعارف اسلام- در چاپ‌های متعدد آن- و همچنین نوشته‌های شخصی بیشتر مستشرقان را کاوش کنیم، خواهیم دید که همگی آنها اجمالاً در این قسم داخل هستند. مصادر و منابع مدخلی که کارادیفو در آغاز قرن بیستم در دایرة المعارف اسلام نوشته است چیزی جز منابع استشرافی نیست، همچنین مدخلی را که کلودژیو در دایرة المعارف جهان، از بیست منبع بهره گرفته که همگی بدون استثنا از نوشته‌های مستشرقان یا شاگردان آنها به زبان‌های مختلف اروپایی است. در نوشته‌های بلاشر، ژاک

تصوری خاص از قرآن و تفسیر آن در اذهان مستشرقان شکل گرفته است.

دوم: اهداف پژوهشی مستشرقان. این عامل آن چنان که خود روشن است، از اهداف علمی محض یا ارشادی نبوده است. از این رو، با توجه به این نوع رویکردها و اهداف است که تمامی نوشته‌های تفسیری مستشرقان دائماً نگرش واحدی داشته‌اند؛ هر چند که راه‌ها و روش‌های آنها با یکدیگر متفاوت بوده است. در آغاز قرن بیستم میلادی مستشرقان به تثبیت و ریشه‌دار کردن گرایش‌های منحرف و بدعت‌گرای تفسیری که در طول تاریخ تفسیر ظهور یافته‌اند، رو آوردند، به اعتبار اینکه آنها بخش با ارزشی از پیشینه این دانش هستند. آنان این کار را با هدف بازشناسی روش دانش تفسیر انجام دادند و مطالبی را از خود بر آن افزودند. در نیمه قرن بیستم- از آنجا که تلاش اول مستشرقان شکست خورد- کوشش‌های آنان به پایه‌گذاری بدعت جدیدی سمت و سو گرفت و آن عبارت از دعوت به بازنگری تفسیر قرآن بر اساس داده‌های علوم انسانی غرب به ویژه رشته مطالعه جوامع ابتدایی بود<sup>۶۶</sup>.

زمانی که به کتاب‌های مختلف مستشرقان در موضوع تفسیر می‌نگریم، این آثار را مجموعه‌ای تأثیر پذیرفته از مشخصه‌های ذیل می‌یابیم، با اینکه برخی از آنان بر چسب «علمی محض» بر نوشته‌های خود زده‌اند:

الف) نخستین ویژگی نوشته‌های تفسیری مستشرقان گزینشی و انتخابی بودن آنهاست. قاعده در پژوهش‌های انسانی گروهی به این ترتیب است: تحقیق و تتبع، گردآوری اطلاعات، استقرا و نتیجه‌گیری. اما نوشته‌های تفسیری مستشرقان مبتنی بر تصور فرضی مستشرق است که با هدف تثبیت آن به عنوان یک حقیقت علمی تلاش و از آن دفاع می‌کند. در این زمینه مستشرق به هر گونه توجیهی- ولو فاقد مبنای علمی نیز باشد- تمسک می‌جوید<sup>۶۷</sup>.

۶۵. ر. ک: عبد الله بن صدیق، مقدمه الاحسان فی تعقب الاتقان للسیوطی، دار الانصار، قاهره.

۶۶. رشته مطالعات جوامع ابتدایی، درباره اساطیر اجتماعات بشری بحث می‌کند؛ جوامعی که در آنها خبری از نهادهای اقتصادی و اجتماعی جدید نبود. مستشرقان و پیروان آنان سعی دارند به نوعی داده‌های این رشته را در حوزه مطالعات قرآنی به ویژه در موضوع قصه‌های قرآنی پیامبران و تاریخ اقوام پیشین مطرح کنند؛ همچنین در زمینه مسائل اعتقادی مسلمانان همانند: معاد، نعمت‌های بهشتی، عذاب جهنم و موضوعات دیگر اعتقادی- غیبی.

۶۷. ر. ک:

A.T. WELCH. ALKURAN "ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM" T5 P 404.

بیرک، جویمر، بالجون و جفری و دیگران نیز وضع به همین گونه است. در ارزش‌گذاری و بیان سطح بهره‌وری مستشرقان از منابع قسم اول در نوشته‌های خود، بر محقق‌های خود، بر میزان و چگونگی بهره‌گیری آنان از این منابع تابع دیدگاه‌های شخصی آنان درباره قرآن و تفسیر آن بوده است. برای نمونه، گلدزیهر در بحث از قرآنت قرآنی ضمن فصل «مرحله نخست تفسیر»، مسئله توثیق قرآنت را به تفسیر الکشاف زمخشری ارجاع می‌دهد<sup>۶۵</sup>. الکشاف هر چند از کتاب‌های تفسیری است، لکن از منابع دانش قرآنت به شمار نمی‌آید. این در حالی است که زمخشری در تفسیر الکشاف در دفاع از مذهب خود از قرآنت شاذ و مردود نیز بهره می‌جوید و این همان چیزی است که مستشرق از آن سود می‌برد. با همین هدف مستشرقانی را می‌بینیم که اهتمام خاصی به قرآنت شاذ این خالویه و کتاب المصاحف ابن داوود دارند. کار برخی از مستشرقان همانند شیرنجر (۱۸۹۳ م) در انتشار بخشی از الاتقان سیوطی (۹۱۱ هجری) در همین جهت بوده است از این رو برخی از مستشرقان در اتهامات و نقدهای خود به روایاتی که سیوطی در الاتقان آورده است، استناد می‌کنند.

از مطالعه نمونه‌های پیشین به دست می‌آید که مراجعه مستشرقان به منابع عربی زبان دانش تفسیر، در ادامه تأمین اندیشه‌های خاص آنان درباره قرآن بوده است. لذا این منابع از جهت معرفت شناختی فایده‌ای برای آنان نداشته است. گاه مستشرقانی را می‌بینیم که به عمد سخن دروغی بر ساخته و به این منابع نسبت داده‌اند. برخی از مستشرقان نیز- که نه زبان عربی می‌دانند و نه خود مستقیم به منابع مراجعه کرده‌اند- خود را در برابر انبوهی از نوشته‌های پیشینیان می‌بینند و به همان نگاه‌ها اعتماد می‌کنند و به منظور ترویج این آثار، دچار اشتباهات معرفت شناختی و روش‌شناسی می‌شوند.

#### ۴-۲. ویژگی‌ها و مشخصات نوشته‌های تفسیری مستشرقان

نوشته‌های تفسیری مستشرقان از یک سلسله مشخصات تأثیر پذیرفته‌اند که به طور خاص از دو عامل ذیل ناشی می‌شوند:

اول: تعلق به رویکردهای روش‌شناسی خاص. این عامل نقطه آغاز اهتمام مستشرقان به دانش تفسیر بوده و به دنبال آن



ب) دومین ویژگی تحقیقات قرآنی مستشرقان، شخصی بودن و تأثیر پذیری از اعتقادات فردی است که خود به باورهای دینی گذشته مستشرق برگشت دارد. مستشرقان بر این باور هستند که قرآن تألیف محمد (ص) است و از این رو، به عنوان یک متن ادبی به آن می‌نگرند. اگر مستشرقی فارغ از باورهای دینی - چه یهودی و چه مسیحی - و بدون زدودن تعصب و خودرایی، سراغ قرآن برود، به قطع در قرآن همان چیزی را می‌یابد که مشرکان اهل مکه یافتند؛ مشرکانی که تعصب شایع در دوران نبوت، بصیرت آنها را کور نکرده بود و تنها دل‌کنند از این باورها بود که چشم دل‌شمار زیادی از آنان را به حقیقت قرآن بینا ساخت. البته در مورد مستشرقان، افزون بر مشکل تعصب، عامل دیگر نیز در این میان مطرح است و آن جهل مستشرقان به زبان عربی مبین است که قرآن بر اساس آن نازل شده است<sup>۶۸</sup>.

ت) سومین ویژگی نوشته‌های تفسیری مستشرقان، سطحی‌نگری و فقدان عمق علمی - شناختی آنهاست. این کاستی در دو زمینه محتوا و روش رخ داده است. در زمینه محتوا و مضمون، بسیار آشکار است که نوشته‌های تفسیری آنان از فقر معرفتی و عدم آگاهی از بدیهیات دانش تفسیر لبریز است، این جدای از اهمال و سستی مستشرقان در مراجعه به منابع اصیل عربی است. این سطحی‌نگری در عرصه روش‌شناسی نیز حرص و تلاش مستشرقان را به سوی پژوهش قرآن بر اساس روش‌های ناهمسوی با این علم سوق داده است که خود این روش‌ها را بیرون از حوزه تراث دانشی که بدان اشتغال دارند، گرفته بودند. از نتایج روش مستشرقان این است که آنان درک کاملی از دانش تفسیر به دست نیاوردند و نتوانستند همانند گرایش‌ها و روش‌های مفسران اسلامی گام به گام پیش بروند.

ث) چهارمین ویژگی، پراکندگی و گونه‌گونی نوشته‌های تفسیری مستشرقان است که از لابه لای طرح‌های مطالعاتی مستشرقان یا برخی از آنان پیدا است. علی‌رغم اتفاق نظر مستشرقان بر بازنگری تفسیر قرآن مبتنی بر داده‌های علوم انسانی، در مرحله اجرا، به سبب تعدد شاخه‌های علوم انسانی، تفاوت حوزه‌های مطالعاتی با یکدیگر و گسترش وسیع آن در دهه‌های اخیر، شاهد ظهور روش‌ها و گرایش‌های مختلف (مستشرقان در بازنگری تفسیر قرآن) بوده‌ایم. با توجه به این گستردگی و تنوع، سخن از تفسیر قرآن مبتنی بر داده‌های علوم انسانی، گونه‌ای خیال‌پردازی و تلاش برای نهادن تفسیر قرآن در فضایی گمراه‌آلود است تا متن قرآن تحمل هر نوع برداشت گمراه‌گری را نداشته باشد. آشکارا این ویژگی از میان نوشته‌های مختلف تفسیری مستشرقان رخ برنموده است. اگر امروزه بخواهیم آثار

گونگون نشر یافته آنان را در این باره را گرد هم بیاوریم، خود را در برابر تشتت و ناهمگونی خواهیم یافت که جز با اشتراک در ادعای بازنگری تفسیر قرآن، نتوان میان آنها جمع کرد<sup>۶۹</sup>.

اینها به اجمال مهم‌ترین شاخصه‌های نوشته‌های تفسیری مستشرقان بود. اگر به دیده انصاف بنگریم، کاستی‌های دیگر را که تأثیر منفی بر ارزش علمی این آثار گذاشته‌اند، بایستی بر آنها افزود. از این رو، شایسته است که نوشته‌های تفسیری مستشرقان دائماً محصور در مراکز و آکادمی‌های علمی مستشرقان و دنباله‌روهای مسلمان آنان باشد که در این مقاله فرصت بحث از گروه اخیر (مسلمانان دنباله‌رو مستشرقان) حاصل نشد. امروزه در جهان اسلام از فراخون تفسیر قرآن مبتنی بر داده‌های علوم انسانی غرب - که نیم قرن پیش مطرح شد - خبری نیست، مگر مواردی اندک در چند پایان‌نامه دانشگاهی که تحت حمایت مراکز استشرافی به سامان رسیده‌اند.

#### ۴-۳. اسباب انحراف نوشته‌های تفسیری مستشرقان

دانشمندان اسلامی مکتوبات مختلف تفسیری را به دو قسم نگاه‌شده‌های مقبول، دارای نظام علمی و نوشته‌های دارای انحراف (غیر نظام‌مند) تقسیم می‌کنند. انحراف قسم دوم ممکن است از جهل نویسنده به اصول دانش تفسیر یا هدف او ناشی و کتابش برای تثبیت مذهب فاسدی نوشته شده باشد. این تقسیم زمانی مطرح است که سخن در گرایش‌های تفسیری صحیح و بدعت‌گرا بوده و هدف از آن، تمییز تراث تفسیری آمیخته به بدعت از تفاسیر علمی روشمند و درست باشد. نگاه‌شده‌های بدعت‌گرا را به اصطلاح «تفسیر به رأی مذموم» و آثار مقابل آن را نگاه‌شده‌های «تفسیر به رأی محمود» نامیده‌اند، در قسم دوم سخن از تفسیر مبتنی بر اصول اجتهادی و عقلانی است. وقتی به نوشته‌های تفسیری مستشرقان و روش آنان - آن گونه که خودشان تصور می‌کنند - مراجعه می‌کنیم، با یک اشتراک در روش و

۶۸. ر. ک: القرآن نزوله و تدوینہ ...، بلاش ص ۴۱:

ENCYCLOPAEDIA UNIVERASALIS "CORPUS6" P 540.

۶۹. ر. ک: أزمة العلوم الانسانية، دکتر جابر الحدیثی، الفکر العربی، ش ۳۷-۳۸، ص ۱۰۹-۱۳۷.

مسائل اساسی و بنیادین دین - از همان قدیم منجر به پیدایش گروه‌ها و فرقه‌های متضاد با یکدیگر شده است و به همین سان این نابسامانی در عرصه تفسیر به رأی، به پیدایش گرایش‌های مختلف مذهبی در تفسیر قرآن انجامیده است. در نوشته‌های تفسیری مستشرقان این نابسامانی از آنجا رخ داد که در نگاه آنان، قرآن یک اثر ادبی بود که همه روش‌های آشنای در فرهنگ غرب چه مادی و چه اعتباری بر آن قابل تطبیق و تجربه بود. خواه حوزه پژوهش این روش‌ها پژوهش اسطوره‌ها باشد، خواه امور حقیقی و واقعی، چه تاریخی باشد، چه فلسفی، همگی در متن پژوهی قرآن قابل تجربه است تا سرانجام افق عرصه تفسیر قرآن بر پایه روش‌های گوناگون را برای مستشرقان بگشاید. این روش‌ها که در حوزه علوم انسانی غرب پیدا شده بود، با تناقضات، اختلافات و ناکامی‌هایی همراه بود<sup>۷۱</sup>.

**سبب چهارم: عدم آگاهی از دانش تفسیر.** همه معارف انسانی بر گستردگی احاطه انسان بر کلیات و فروع دانش‌ها تکیه دارد و به دست آوردن هر یک از انواع این معارف، بدون تحصیل و آموزش ممکن نیست. این علاقه و انگیزه همراه با طلب، استمرار و مواظبت بر اندوخته‌هاست که علم را در انسان ایجاد می‌کند. افزون بر این همه، دانش‌ها دارای اصول و قواعد و همچنین روشی هستند که دانشیان آن رشته بر اساس آن روش سیر علمی می‌کنند. سرآغاز این روش، تحصیل علم از سرچشمه‌های اصلی و اولیه آن است و سپس سیر نظام مند علمی بر اساس اصول و قواعد آن دانش. اگر کسی از آغاز، روشمندانه به تحصیل دانش خاصی پرداخته باشد، او به قطع جاهل است، هر چند که خودش خلاف آن را ادعا کند، و کسی که اصول و قواعد اساسی و آداب علمی را رعایت نکند - گرچه آن را تحصیل هم کرده باشد - با اقتضای آن دانش مخالفت ورزیده است و از تأثیرپذیری او از هوای نفسش، اطمینانی نخواهد بود<sup>۷۲</sup>.

در بررسی نوشته‌های تفسیری مستشرقان می‌بینیم که دو کاستی «جهل به دانش تفسیر» و «جهل به لوازم علم تفسیر» در آنها گرد هم آمده است. جهل به تفسیر تنها از لابه لای تردیدها و

هدف مستشرقان با ایده‌های باطل اهل بدعت قدیم مواجه می‌شویم که دانش اندوزی را با هدف نابودی آن می‌خواستند و برای رسیدن به این هدف هرگونه سختی و دشواری را در می‌نوردیدند. دانشمندان اسلامی از گذشته، درباره اسباب انحراف تفسیر اهل بدعت، فراوان سخن گفته‌اند، اما انحراف نوشته‌های تفسیری مستشرقان دوره معاصر به چند سبب بر می‌گردد که اجمال آن به بیان ذیل است:

**سبب اول: فساد اعتقادی.** در فساد اعتقادی، مستشرقان با پیشینیان خود از بدعت‌گرای قدیم یکسان‌اند. خاستگاه این فساد، تعصب کورکورانه آنان درباره آیین و کیش خودشان است که چشم بصیرت مستشرقان را از درک دلایل الهی بودن خاستگاه قرآن ناپیدا ساخته است. از همین رو، مستشرقان به قرآن به عنوان جزئی از میراث امت اسلامی نگاه می‌کنند، نه چیز دیگر.

**سبب دوم: پلشتی نیت.** معروف است که از مهم‌ترین آداب تفسیر پژوهی - که بایستی پژوهشگر و مفسر قرآن دارای آن صفت باشد - راستی است<sup>۷۳</sup>. از مهم‌ترین اسباب گمراهی بدعت‌گران قدیم این بود که آنان خواستند آرای باطل خود را در لابه لای نوشته‌های تفسیری وارد کنند. آنان با همین آرای باطل خود گمراه شدند و دیگران را نیز به گمراهی کشاندند. مستشرقان معاصر نیز در حالی وارد میدان تفسیر شدند که به دنبال شناخت حق و دستیابی به آن نبودند، بلکه برخی از آنان به دنبال آن بودند که اندیشه‌های کیش و آیین خود را در تفسیر قرآن داخل کنند، برخی نیز قصد داشتند با کمک ابزارهای گوناگون علمی دانش تفسیر را از ریشه نابود سازند. این چیزی است که از نوشته‌های آنان آشکار است.

**سبب سوم: بی‌نظمی در روش.** روش و منهج علمی به اختصار عبارت است از طریقه‌ای که پژوهشگر برای رسیدن به یک حقیقت علمی بر اساس آن سیر علمی می‌کند، خواه این طریقه مبتنی بر استقرا و تتبع باشد، یا مبتنی بر بررسی، سنجش، تجربه و ملاحظه باشد؛ فقدان روش در هر عرصه علمی منجر به حالتی می‌شود که می‌توان از آن به «هرج و مرج روشی» یاد کرد. هرج و مرج روشی در حوزه مطالعات دینی - به ویژه در زمینه

۷۰. ر. ک: نگارنده، مقاله «آداب التفسیر القرآن الکریم»، مجله دعوة الحق، شماره ۳۴۳، ص ۲۷-۳۰.

۷۱. ر. ک: عصر الیونیه، آدیث کیروزیل، اول، بغداد، ۱۹۸۵م؛ جون ستروک، الیونیه و ما بعدها، مجله عالم المعرفة، شماره ۲۰۷، سال ۱۹۹۷م.

۷۲. ر. ک: الموافقات، شاطبی، تعلیق: محمدحسین مخلوف، ج ۴، ص ۱۴۴-۱۴۵.

شک‌های نسل‌های بعدی مستشرقان به تراش‌گذشتگان آنها پیداست. نخستین جای ظهور جهل مستشرقان به لوازم این دانش، عدم اعتنای آنان به آداب و قواعد دانش تفسیر است. از آنجا که چندین دهه است در اندیشه آنان چنین تشبیت شده که تفسیر قرآن حتی برای منکر الهی بودن آن هم ممکن است؛ همچنین برای کسی که بخواهد از ادله انتساب متن قرآن به بشر سخن بگوید.

**سبب پنجم: جهل به زبان، علوم و ادبیات عربی.** مستشرقان مشهور حتی به نیکی نمی‌توانند عربی سخن بگویند و یا فهمی درست از نوشته عربی داشته باشند، با اینکه آنان در دوران موقت استعمار، سالیانی چند در میان عرب‌زبانان زندگی کردند. ۷۳ مستشرقان غیر مشاهیر نیز فاصله زیادی با زبان عربی دارند. افزون بر اینکه مستشرقان متأخر، زبان‌های اصلی خودشان را در دانشگاه‌های غربی به طور کامل آموزش می‌بینند. با نگاهی به نظام آموزش عالی غرب، با اشکالاتی در روش مناظره و مجادله به زبان اصلی و قومی هر کشوری مواجه می‌شویم. برای نمونه، در کشور فرانسه بر دانش پژوه؛ رشته ادبیات انگلیسی یا اسپانیایی و همانند آن دو، واجب است که پایان‌نامه خود را به زبان فرانسوی دفاع کند؛ هر چند این الزام با (روحیه) تحقیق علمی در تضاد است. موقعیت دانش پژوهان متخصص در رشته‌های مختلف شرق‌شناسی نیز این چنین است. این الزام حتی در مورد پژوهشگری که موضوع پایان‌نامه وی تحقیق یک نسخه خطی هم باشد، ساری و جاری است.

خلاصه اینکه آموزش عمومی مستشرقان بر این منوال، رافع جهل آنان به زبان عربی- که زبان کتاب‌های تفسیری است- نیست و تا زمانی که وضعیت دانشگاه‌های غرب چنین باشد، مستشرقان نمی‌توانند از کتاب‌های مهم و اصیل تفسیر قرآن استفاده کنند. لذا همیشه به خاطر همین کاستی، جز تکرار مکرراتی چند- که از قبل به وسیله پیشینیان‌شان برای آنان انشا شده است- حرف جدیدی ندارند و این کتاب‌ها با اینکه اندک هم هستند، کتاب‌های علمی محسوب نمی‌شوند؛ همان طور که پیشتر از آنها بحث شد.

خاتمه

مطالبی که در این پژوهش گذشت، بررسی تحلیلی و سنجش نوشته‌های تفسیری مستشرقان بود. از بایسته‌های پژوهش

حاضر، اعتماد و توجه به منشورات مستشرقان درباره تفسیر قرآن به ویژه چاپ‌های متعدد دایرة المعارف اسلام بود، با توجه به ارزش علمی‌ای که این مجموعه در مراکز علمی شرق و غرب به طور یکسان پیدا کرده است. افزون بر این، به آثار فراوان مستشرقان چه به شکل کتاب و چه مقاله در موضوع قرآن مراجعه شد. نتایج این پژوهش به طور خلاصه عبارت است از:

اول: در آغاز نوشته‌های تفسیری مستشرقان سعی در ریشه‌دار جلوه دادن میراث تفسیری بدعت‌گرا و انحرافی داشتند. هنگامی که در جهان اسلام چنین مطالعات علمی انتشار یافت و حقیقت این تراش منحرف منسوب به دانش و معایب و کاستی آنها کشف و بیان شد، بیشتر مستشرقان طرح و نقشه‌های خود را تغییر دادند و در محافل خود ادعاهایی را مطرح کردند که به گمان آنان تازه و جدید بود.

دوم: فراخوان مستشرقان در اعتماد کردن بر داده‌های علوم انسانی غرب در تفسیر قرآن، به منظور برطرف ساختن خلأ و ضعف آنان در تعامل با مصادر علمی اصیل تفسیری بود که در طول قرن‌ها در موضوع علم تفسیر و اصول آن نوشته شده بود و مستشرقان ناتوان از بهره‌وری از محتوای این آثار بودند.

سوم: ادعای مستشرقان مبنی بر بازنگری تفسیر قرآن در ظاهر به شکل یک نظریه فاقد نظم و اتقان ارائه شد تا عرصه تفسیر قرآن مطابق با هوای نفس را برای مستشرقان و دنباله‌روان روش آنان گشاید.

چهارم: روش ادعا شده مستشرقان در تفسیر قرآن، سالیان متمادی در حد یک نظریه محض باقی ماند و نه خود مستشرقان و نه فردی غیر از آنان نتوانست بر اساس آن به تفسیر قرآن پردازد. هر آنچه از مستشرقان در زمینه قرآن در نوشته‌های تفسیری آنان می‌بینیم، مجموعه مقالات تفسیر موضوعی است که همه مستشرقان در نگارش آنها و امداار کتاب معجم آیات القرآن هستند.



۷۳. تاریخ الدراسات العربیة فی الفرنسا، محمود مقداد، ص ۱۴۹.